

انتظار ۶



رخدادهای ظهور

مهدی یوسفیان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

انتظار « ۱ »

رخدادهای ظهور

مهدی یوسفیان

یوسفیان، مهدی، - ۱۳۴۹
رخدادهای ظهور / مهدی یوسفیان. - قم: بنیاد فرهنگی
حضرت مهدی موعود علیه السلام؛ مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۸۹.
۹۶ ص. - (انتظار؛ ۶)

۱۰۰۰۰ ریال: ISBN: ۹۷۸-۹۶۴-۷۴۲۸-۷۱-۲

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیپا.
کتابنامه به صورت زیرنویس.

۱. آخرالزمان. ۲. فتن و ملاحم. ۳. محمدبن حسن علیه السلام امام
دوازدهم، ۲۵۵ق. - ۴. آخرالزمان - احادیث. ۵. مهدویت.
الف. بنیاد فرهنگی حضرت مهدی علیه السلام. ب. مرکز تخصصی
مهدویت. ج. عنوان، د. فروست: انتظار؛ ۶.

۲۹۷/۴۴

BP ۲۲۴/۵ / ۹ ی ۳



مرکز تخصصی مهدویت



بنیاد فرهنگی حضرت مهدی علیه السلام

رخدادهای ظهور (انتظار ۶)

مؤلف / مهدی یوسفیان

ناشر / بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام

نوبت چاپ / اول، بهار ۱۳۸۹

شمارگان / سه هزار

ویراستار / زینب احمدیان

صفحه آرا / عباس فریدی

لیتوگرافی / ترام اسکندر ۷۸۳۰۰۵۸

بها / ۱۰۰۰ تومان

مراکز پخش:

۱. قم: مرکز تخصصی مهدویت / خیابان شهدا /

کوچه آمار (۲۲) / بن بست شهید علیان

ص. پ: ۱۱۹-۳۷۱۳۵ ○ تلفن: ۷۷۳۷۸۰۱ ○ فاکس:

۷۷۳۷۱۶۰

۲. تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام

○ ص. پ: ۳۵۵-۱۵۶۵۵ ○ تلفن: ۸۸۹۸۰۹۹۹-

۸۸۹۸۱۳۸۹ ○ فاکس: ۸۸۹۸۱۳۸۹

WWW.IMAMMAHDI-S.COM

info@imammahdi-s.com

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۴۲۸-۷۱-۲

فهرست مطالب

بخش اول: کلیات ۶

مقدمه ۷

اهمیت بحث ۸

چند نکته ۱۰

۱. اصل بناء ۱۰

۲. تثبوت ظهور، خروج و قیام ۱۲

۳. دشواری خبر دادن از آینده ۱۴

منابع نوشتار ۱۷

بخش دوم: سیر ظهور ۱۹

فصل اول: مقدمات ظهور ۲۱

ندای آسمانی ۲۲

مکه محل ظهور ۲۴

راهیان مکه ۲۷

یاران ۲۷

چند نکته پیرامون اجتماع یاران ۲۹

الف) پراکندگی یاوران در نقاط مختلف زمین — ۲۹

ب) سرعت گردآمدن یاوران ۳۰

ج) حرکت اعجاز آمیز برخی از یاران ۳۱

د) رجعت برخی از یاران از دنیا رفته ۳۲

ه) همراهی زنان در قیام ۳۳

- دشمنان ۳۴
- اجتماع و ملاقات یاران با حضرت ۳۵
- قتل نفس زکیه ۳۷
- فصل دوم: ظهور منجی ۴۱**
- حرکت به طرف مسجد الحرام ۴۲
- روز حرکت ۴۳
- اعلام ظهور در مسجد الحرام ۴۴
- سخن حضرت ۴۷
- مراسم بیعت ۵۰
- وقایع مکه ۵۳
- لشکریان ۵۳
- ملائکه الهی ۵۴
- انسانها ۵۵
- انتشار خبر «خسف پیداء» ۵۷
- اصلاحات در مکه ۵۹
- الف) اصلاح امر طواف ۶۰
- ب) حفظ اموال عمومی ۶۱
- ج) بازسازی مسجد الحرام ۶۴
- فصل سوم: فتح عالم ۶۵**
- مدینه الرسول ۶۶
- حرکت به طرف عراق ۶۷
- کوفه ۶۹
- الف) درگیری بیرون کوفه ۷۰
- ب) تسلط بر کوفه ۷۳
- ج) جنگ با سفیانی ۷۴
- د) پایتخت حکومت مهلوی ۷۵
- مسجد سهله ۷۶
- یادآوری ۷۷

۷۸ نزول حضرت عیسی <small>علیه السلام</small>
۷۹ تذکر
۷۹ مدت جنگ
۸۱ فصل چهارم: چند نکته
۸۲ ویژگیهای حضرت
۸۲ جوان بودن
۸۳ قدرت جسمانی
۸۴ شجاعت و قدرت یاران
۸۶ میراث پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> و سایر انبیاء
۸۸ روش مقابله
۹۱ فقط کشتن دشمنان خدا
۹۴ سلاح جنگی

بخش اول:

کلیات

مقدمه

نام و یاد مهدی علیه السلام و دوران شیرین ظهور او، جان خسته‌ی هر انسان به ستوه آمده از وضع موجود جهان بشریت را آرامش می‌دهد و نهال امید به آینده‌ای سبز و زیبا را در کانون دل او زنده و پر نشاط نگاه می‌دارد. آری؛ زمانی که او بیاید و عدالت را در جهان برقرار و فراگیر کند، صلح و صفا در دریای زندگی انسان‌ها موج خواهد زد و آبشار زلال صمیمیت و یکرنگی، روان آدمیان را نوازش خواهد داد.

در میان مباحث مختلف مهدویت که هر کدام زیبایی و طراوت خاص خود را دارد، مبحث چگونگی قیام و انقلاب بزرگ امام

مهدی علیه السلام جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است. زیرا منتظران ظهور می‌خواهند بدانند آن عزیز پیدا ولی پنهان، در چه زمانی، نقاب از رخ خواهد کشید؛ حرکت اصلاحی خود را چگونه شروع خواهد کرد و در این فرایند، چه حوادثی رقم خواهد خورد.

از این رو، ما در این نوشتار به دنبال آنیم که در حد امکان، سیر حرکت انقلابی حضرت را به تصویر بکشیم.

اهمیت بحث

روشن است که دوران سخت و دشوار غیبت ولیّ خدا، دورانی بسیار دردناک برای بشریت بوده و هست؛ زیرا مردمان این عصر، در دریای موج و پر گرداب حوادث روزگار، چونان مسافر کشتی بدون ناخدایی هستند که هر آن، امکان برخورد آن با امواج و غرق شدنش، انتظار می‌رود. در چنین شرایطی، حضور ناخدایی دانا و با تجربه که بتواند با درایت و هوشمندی، این کشتی را از میان امواج و گرداب‌ها، رهایی داده و به ساحل امن برساند، نهایت آرزوی مسافران خواهد بود.

انتظار ظهور ناخدا و راهبر زندگی بشریت و حضور آشکار منجی و مصلح کل، نهایت آرزوی مردمان این زمان است. اما به راستی او کی خواهد آمد؟ آیا ظهورش نیازمند فراهم شدن شرایط و زمینه‌هایی است؟ آن شرایط کدام است؟ نقش و جایگاه انسان‌ها در این دوران چه خواهد بود؟ ...

منتظر مشتاق به دنبال آن است که برای انبوه سؤالات خود، پاسخ‌های قانع‌کننده بیابد؛ تا با درک بهتر و کامل‌تر شرایط ظهور، بتواند خود را برای دوران شیرین و سبز حاکمیت عدل و خوبی آماده کند.

بررسی اجمالی کیفیت انقلاب و خط سیر حضرت مهدی علیه السلام این امکان را به انسان می‌دهد تا با شناخت چگونگی این حرکت بزرگ، از نقش و وظیفه‌ی خود آگاه شود و خود را برای ایفای درست وظیفه آماده سازد. به علاوه، می‌توان دریافت که مخالفان حضرت، چه کسانی هستند؛ چه ماهیت و هویتی دارند و مقابله‌ی آنان با حضرت به چه شکل صورت می‌پذیرد؛ تا از این ره‌گذر، بتوان خود را از گروه آنان خارج کرد. هم‌چنان که

درک درست جریان ظهور، موجب بازشناسی جریانات انحرافی و مدعیان دروغین مباحث مهدویت خواهد شد.

چند نکته

قبل از ورود به اصل بحث، توجه به چند نکته لازم به نظر می‌رسد:

۱. اصل بداء

یکی از مباحث اعتقادی مکتب تشیع - که از امتیازات آنان نیز به شمار می‌آید - اعتقاد به «اصل بداء» است. لفظ «بداء» در لغت، به معنای «ظهور و آشکار شدن» است؛ اما در اصطلاح، به ظهور بعد از خفا که گاه همراه با تغییر و تبدیل است، گفته می‌شود.

مراد از بداء در امور انسانی آن است که امری برای یک شخص یا جامعه در تقدیر گرفته شود؛ ولی تحقق آن امر، وابسته به شرایط و زمینه‌هایی باشد. در این صورت، اگر آن زمینه‌ها و شرایط فراهم شد، آن امر، واقع می‌شود و اگر آن زمینه‌ها و شرایط فراهم نگردید یا مانعی حادث شد، آن امر مقدر، تحقق پیدا نمی‌کند. البته باید به یاد داشت

که خداوند - که علم او کامل و بی‌نهایت است - از همه‌ی امور، آگاه بوده و از چگونگی اختیار انسان و آنچه در نهایت واقع می‌شود، مطلع است.

بحث و بررسی این بحث، در حوزه‌ی علم کلام بوده و خارج از حوصله‌ی این نوشتار می‌باشد؛ لذا در توضیح آن، به همین مقدار اکتفا می‌کنیم. اما از آن‌جا که در قرآن و منابع شیعه بر این اصل، صحه گذاشته شده است، می‌توان بر اساس آن، در تشریح چگونگی انقلاب امام مهدی علیه السلام گفت که هر چند امور و حوادث، در تقدیر الهی ثبت شده و ائمه علیهم السلام در مواردی چگونگی وقایعی که در آینده اتفاق می‌افتد را برای مردم بازگو می‌کرده‌اند، ولی در برخی امور و حوادث گزارش شده، بدهاء امکان دارد، یعنی آن اتفاق رخ ندهد و یا با برخی تغییرات تحقق پیدا کند.

لازم به یادآوری است که:

اولاً؛ بدهاء در همه‌ی امور رخ نمی‌دهد؛ بلکه تحقق بعضی امور، یقینی و براساس قواعد حتمی دین و اراده‌ی الهی است مانند اصل ظهور و سیطره‌ی کامل دین الهی اسلام بر

کل زمین.

ثانیاً؛ چگونگی و حیطه‌ی علم پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام امری بسیار پیچیده است؛ که بررسی آن، محل دیگری را می‌طلبد. با این حال روشن است که علم آنان از علم خدا نشأت می‌گیرد و از این رو، در صحت و اعتماد به آن ذره‌ای تردید نداریم. لذا اعتقاد به اصل بداء، نباید باعث شود که علم آن بزرگواران، مورد ابهام واقع گردد؛ بلکه علم آنان - همان گونه که بیان شد - قطعی و مورد اعتماد است. به علاوه آن که آنان به امکان وقوع بداء در امور، اشاره کرده‌اند.

پس بنابر اصل بداء، ممکن است حادثه‌ای که از سوی امامان علیهم‌السلام در جریان انقلاب حضرت مهدی علیهم‌السلام پیش بینی شده، رخ ندهد یا با تغییراتی همراه باشد.

۲. تفاوت ظهور، خروج و قیام

در روایاتی که پیرامون انقلاب و حکومت عدل امام مهدی علیهم‌السلام موجود است، گاه از لفظ «ظهور» استفاده شده، گاه تعبیر «خروج» آمده و در مواردی، لفظ «قیام» به کار رفته

است. در بیشتر احادیث، این الفاظ، نمایانگر تحقق و وقوع این رویداد شگرف و بزرگ تاریخ بشریت، یعنی انقلاب حضرت مهدی علیه السلام می‌باشند؛ ولی باید بدانیم که هر کدام از این الفاظ، در برگیرنده‌ی پیام خاص خود نیز می‌باشد؛ چراکه امامان معصوم علیهم السلام بدون تأمل، لفظی را انتخاب نمی‌کرده‌اند.

این معنا در برخی احادیث که بین این الفاظ، فرق گذاشته‌اند، روشن‌تر است. برای مثال، ضمن روایتی از امام جواد علیه السلام نقل شده که ایشان فرموده‌اند: «هنگامی که این تعداد (۳۱۳ نفر) از اهل اخلاص جمع شدند، خدای تعالی، امر او (حضرت مهدی علیه السلام) را ظاهر سازد. پس زمانی که عقد برای او کامل گردید که (آن عقد) ده هزار مرد می‌باشد، به اذن خداوند، خروج کند».^۱

از ظاهر این روایت، به خوبی روشن

۱. «فإذا اجتمعت له هذه العدة من أهل الإخلاص أظهر الله أمره

فإذا كمل له العقد وهو عشرة آلاف رجل خرج بإذن الله عز و

جل». کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ب ۳۷، ح ۲.

می‌شود که امام جواد علیه السلام بین ظهور و خروج فرق گذاشته‌اند. از نظر ایشان، زمانی که امام مهدی علیه السلام همراه با یاران، خود را به جهانیان معرفی می‌کند، ظهور، و زمانی که لشکریان به اندازه‌ی کافی جمع شده و مقدمات جنگ با دشمنان خدا فراهم گردد، خروج خواهد بود. به عبارت دیگر، ظهور، زمان آشکار شدن حضرت و خروج، هنگام شروع جنگ و قیام مسلحانه می‌باشد.

۳. دشواری خبر دادن از آینده

اشتیاق آدمی به دانستن حوادثی که در آینده واقع خواهد شد و نیز اطلاع از چگونگی آنها، امری نیست که بتوان منکر آن شد؛ زیرا آگاهی از آینده باعث می‌شود که آدمی به دنبال یافتن راه مناسب برخورد با حوادث، خود را برای این مواجهه آماده کند و برنامه‌ریزی مطلوبی داشته باشد.

به عنوان مثال؛ چنانچه در رسانه‌ها مطرح شود که رهبر کشور قصد مسافرت به منطقه‌ای را دارند و این حضور، باعث جهشی بزرگ در بهبود وضعیت مردم آن منطقه

خواهد شد، روشن است که مردم، خود را برای این حضور و استفاده‌ی مطلوب از آن، آماده می‌کنند. یا اگر عنوان شود که در آینده‌ای نزدیک، زلزله‌ای در منطقه‌ای رخ خواهد داد، طبیعی است که این خبر تأثیرگذار، مردم را به تکاپو وا می‌دارد تا برای مقابله با زلزله و به حداقل رساندن آسیب‌ها و صدمه‌های احتمالی، راهکار مناسبی را پیدا کنند.

سخن گفتن از آینده، هر چند برای مردم مهم است و با شور و اشتیاق، اطلاع یافتن از آن را خواستارند؛ ولی امری بسیار سخت و دشوار می‌باشد؛ زیرا از طرفی، علم و دانش بشری، محدود است و از طرفی، امکان خطا نیز در معلوماتش وجود دارد. لذا گفتن سخن یقینی، در بسیاری موارد، برای انسان‌های عادی، امری محال و ناممکن است.

این مطلب شامل مباحث مهدویت نیز می‌شود و تبیین حوادث پس از قیام حضرت را بسیار مشکل می‌کند؛ زیرا اگر چه بیان سیر حرکت آن بزرگوار، براساس روایات پیشوایان معصوم علیهم‌السلام صورت می‌گیرد و علم آنان نیز از

علم الهی نشأت گرفته و نه محدودیت علم بشر را دارند و نه خطا در کلام آنها راه دارد، ولی استفاده‌ی یقینی از مفاد همه‌ی روایات مهدوی و ترسیم حقیقی و حتمی حرکت امام بر اساس آنها، با چند مشکل روبرو است.

اولاً؛ شیعه معتقد به بداء است و این اصل را در مورد چگونگی حرکت حضرت مهدی علیه السلام نیز محتمل می‌داند. لذا ممکن است با تغییر برخی شرایط و زمینه‌ها، برخی حوادث به گونه‌ای دیگر رقم بخورد.

ثانیاً؛ برخی از روایات مورد بحث، از جهت سند و محتوا دارای اشکال است.

ثالثاً؛ در مواردی، ائمه علیهم السلام با توجه به سطح فهم مخاطب و شرایط آن زمان، مطالب را به نحوی تبیین می‌کردند که فهم کامل منظور ایشان را برای ما دشوار کرده است. برای مثال، در برخی روایات مطرح شده که در زمان ظهور، برخی از یاران حضرت، سوار بر ابر از شهر و منطقه‌ی خود به سوی مکه می‌آیند. اما سؤال این است که «سوار بر ابر» به چه معنا است؟ آیا امکان دارد که شخصی سوار بر تکه‌ای ابر شود؛ آن هم به گونه‌ای که

مردم هم بتوانند او را ببینند؟ مراد حقیقی از این کلام امام چیست؟

بنابر آنچه گفته شد، در این نوشتار، سعی خواهیم کرد ضمن ترسیم کلی حرکت و قیام حضرت مهدی علیه السلام، بیان و توضیح برخی از جزئیات را نیز به صورت احتمال، فرا روی خوانندگان قرار دهیم؛ تا علاوه بر فراهم شدن بستری برای آشنایی مناسب نسبت به خط سیر حضرت، احتمالات مختلف نیز در نظر گرفته شود.

منابع نوشتار

از آن جا که بنا در این نوشتار، بر ترسیم کلی حرکت حضرت علیه السلام به صورت صحیح و مورد قبول از نظر عقل و روایات است، سعی شده تا از منابع اصلی و قابل اعتبار، بهره‌گیری شود و روایاتی مورد استفاده قرار گیرد که در کتب اصلی و قدیمی، مطرح، و به صورت متعدد، ذکر شده باشد.

بخش دوم:

سیر ظهور

فصل اول: مقدمات ظهور

در ابتدا ذکر این نکته بسیار مهم است که آن چه در ادامه خواهد آمد، قطعی و یقینی نیست؛ بلکه بر اساس روایات، چنین نتیجه‌ای به دست آمده است.

ندای آسمانی

هنگامی که شرایط ظهور منجی فراهم شود و خداوند، زمان را برای امر ظهور مناسب بداند، مردم را بر این مهم، آگاه می‌کند؛ تا جهانیان از اراده‌ی الهی بر تحقق ظهور، مطلع شوند. این زنگ بیدار باش - که همان علائم ظهور و مخصوصاً ندای آسمانی در سال قبل از ظهور است - به مردم، این آگاهی را می‌دهد که خداوند، اجازه‌ی ظهور را صادر کرده است.

از امام رضا علیه السلام در حدیثی، چنین نقل شده است: «به ناچار فتنه‌ای شدید و مصیبت‌بار رخ می‌دهد که در آن، هر دوستی و صمیمیت از بین می‌رود و آن، زمانی است که شیعه، سومین نفر از فرزندان من (امام حسن عسکری علیه السلام) را از دست بدهد؛ که اهل آسمان و زمین بر او بگریند. چه بسیار مردان و زنان با ایمان که هنگام ناپدید شدن آب گوارا (امام دوازدهم) دل سوخته و اندوهناک خواهند بود. گویا آن‌ها را می‌بینم که در ناامیدترین حالت می‌باشند. در آن هنگام، به ندایی که آن را از دور می‌شنوند و گویی از نزدیک شنیده‌اند، فراخوانده می‌شوند و آن ندا، رحمت برای مؤمنان و عذاب برای کافران خواهد بود.» مردم پرسیدند: «آن ندا کدام است؟» فرمودند: «ندایی در ماه رجب؛ که سه مرتبه از آسمان شنیده خواهد شد...»^۱

۱. «لَا بَدَّ مِنْ فِتْنَةٍ صَمَاءَ صَيْلَمٍ يَسْقُطُ فِيهَا كُلُّ بَطَانَةٍ وَوَلِيَجَةِ وَذَلِكَ عِنْدَ فِقْدَانِ الشَّيْعَةِ الثَّلَاثِ مِنْ وَوَلَدِي يَتَكِي عَلَيْهِ أَهْلُ السَّمَاءِ وَ أَهْلُ الْأَرْضِ وَ كَمْ مِنْ مُؤْمِنٍ مُتَأَسِّفٍ حَرَّانُ حَزِينٍ عِنْدَ فِقْدَانِ الْمَاءِ الْمَعِينِ كَأَنِّي بِهِمْ أَسْرًا مَا يَكُونُونَ وَ قَدْ نُودُوا بِدَاءٍ يَسْمَعُهُ مَنْ بَعْدَ كَمَا يَسْمَعُهُ

از امام صادق علیه السلام نیز نقل شده است که فرمودند: «قائم علیه السلام خروج نمی کند؛ تا آن که در شب بیست و سوم ماه رمضان که شب جمعه خواهد بود، از دل آسمان، ندایی به اسم او بلند شود»^۱.

مکه محل ظهور

بر اساس روایات متعددی که از ائمه ی بزرگوار علیهم السلام صادر شده است، مکه و مسجد الحرام، مکان ظهور امام زمان علیه السلام خواهد بود؛ از این رو، پس از آنکه در ماه رجب و ماه رمضان، ندای آسمانی، نزدیک بودن زمان

→

مَنْ قَرِبَ يَكُونُ رَحْمَةً لِلْمُؤْمِنِينَ وَ عَذَابًا عَلَى الْكَافِرِينَ فَقُلْتُ وَ أَيُّ نِدَاءٍ هُوَ قَالَ يُنَادُونَ فِي رَجَبٍ ثَلَاثَةَ أَصْوَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ...» نعبیت طوسی، باب علام ظهور، ص ۴۳۹، ح ۴۳۱؛ نعبیت نعمانی، ب ۱۰، ح ۲۸؛ معجم احادیث امام مهدی علیه السلام، ج ۵، ص ۱۷۰، ح ۱۵۹۷ و بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۹، ح ۲۸.

۱. «وَلَا يَخْرُجُ الْقَائِمُ حَتَّى يُنَادَى بِاسْمِهِ مِنْ جُوفِ السَّمَاءِ فِي لَيْلَةِ ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ لَيْلَةَ جُمُعِهِ». نعبیت نعمانی، ب ۱۶، ح ۶؛ معجم احادیث امام مهدی علیه السلام، ج ۳، ص ۴۷۲، ح ۱۰۳۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۹، ح ۴۸.

ظهور را اعلام کرد، نگاه همه‌ی دوستان و دشمنان به طرف مکه دوخته می‌شود.

امام باقر علیه السلام در همین رابطه فرموده‌اند: «به درستی که قائم علیه السلام در میان گروهی به عدد اهل بدر^۱، از گردنهای ذی طوی (کوهی کنار مکه) پائین می‌آید؛ تا آن که پشت خود را به حجر الاسود تکیه می‌دهد و پرچم پیروزی را به اهتزاز در می‌آورد».^۲

از ظاهر روایات، چنین استفاده می‌شود که حضرت مهدی علیه السلام در آستانه‌ی ظهور، در شهر مدینه به سر می‌برند و از آن جا به طرف مکه خواهند رفت. برای مثال، وجود مقدس امام صادق علیه السلام در پاسخ یعقوب سراج که از ایشان درباره‌ی زمان فرج پرسیده بود، فرموده‌اند:

۱. سربازان اسلام در جنگ بدر به تعداد سیصد و سیزده نفر بودند.

۲. «أن القائم يهبط من ثنية ذی طوی فی عدة أهل بدر ثلاثمائة و ثلاثة عشر رجلا حتی یسند ظهره إلى الحجر الأسود و یهز الراية الغالبه». غیبت نعمانی، ب ۲۰، ح ۹؛ معجم احادیث امام مهدی، ج ۳، ص ۲۴۳، ح ۷۷۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۱.

«صاحب این امر، در حالی که میراث پیامبر گرامی اسلام ﷺ را به همراه دارد، از مدینه به طرف مکه خارج می‌شود... تا به مکه فرود آید... و از خداوند، برای ظهور، اجازه بخواهد... پس در این هنگام، صاحب این امر ظهور خواهد کرد...»^۱

لازم به ذکر است که در قطعی بودن مکه و مسجدالحرام به عنوان محل ظهور و حرکت انقلابی حضرت مهدی علیه السلام میان همه‌ی مسلمین، اعم از شیعه و اهل سنت، اتفاق نظر می‌باشد؛ زیرا روایات متعدد و متنوعی که در این مورد صادر شده، راه شک و شبهه را مسدود کرده است. برای مثال، در برخی روایات، سخن از بیعت مردم با حضرت، در کنار در کعبه به میان آمده و در برخی، از سخنان آن عزیز در کنار کعبه، یاد شده است.

۱. «خَرَجَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ مِنَ الْمَدِينَةِ إِلَى مَكَّةَ بِثَرَاثِ رَسُولِ اللَّهِ... حَتَّى يَنْزِلَ مَكَّةَ... وَ يَسْتَأْذِنُ اللَّهَ فِي ظُهُورِهِ... فَيُظْهِرُ عِنْدَ ذَلِكَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ»؛ کافی، ج ۸، ص ۲۴۴.

راهیان مکه

افرادی که پس از اعلام ظهور حضرت، به طرف مکه حرکت می‌کنند را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: یاران حضرت و دشمنان ایشان (لشکر سفیانی).

یاران

همگام با حرکت حضرت مهدی علیه السلام به طرف مکه، یاران و اصحاب آن بزرگوار نیز حرکت خود را به طرف مکه، آغاز می‌کنند. به نظر می‌آید حضور یاران امام مهدی علیه السلام در مکه، به دو صورت تحقق می‌یابد:

الف) به صورت عادی؛ به این معنا که وقتی ندای آسمانی، نزدیکی ظهور را به اطلاع جهانیان رساند، برخی از یاران، مقدمات سفر به طرف مکه را فراهم کرده و همراه با زائران بیت الله و حاجیان، برای انجام مناسک حج و حضور نزد امام زمان علیه السلام به سوی مکه، به راه می‌افتند.

ب) به صورت غیر عادی و اعجاز گونه؛ به این معنا که در زمان ظهور، برخی از یاران،

به امداد خداوند و به وسیله‌ی طیّ الارض، وارد مکه خواهند شد. به این معنا که اصحاب و یاران حضرت مهدی علیه السلام در هر کجای زمین باشند، خداوند، آن‌ها را هنگام ظهور در مکه جمع می‌کند. چنان‌چه در روایتی از امام باقر علیه السلام نقل شده است: «... پس هر کس در راه باشد، در آن ساعات خواهد رسید و کسی که (نتوانسته باشد حرکت کند و) در راه نباشد، (به هنگام صبح ظهور) از بستر خود، ناپدید می‌شود و این همان فرمایش امیر مؤمنان، حضرت علی علیه السلام است که فرمود: گم شدگان از بسترهایشان و نیز همان قول خداوند است که در نیکی‌ها پیشی بجوئید، هر کجا که باشید، خداوند، همگی شما را باز می‌آورد.»^۱

۱. «فَمَنْ ابْتَلَىٰ فِي الْمَسِيرِ وَافَاهُ فِي تِلْكَ السَّاعَةِ وَمَنْ لَمْ يُتَلَّ بِالْمَسِيرِ فَقَدْ عَن فِرَاشِهِ ... هُوَ وَاللَّهُ قَوْلُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام الْمَفْقُودُونَ عَن فُرُشِهِمْ وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا». نعمانی، ب ۲۰، ح ۶؛ معجم احادیث امام مهدی علیه السلام، ج ۵، ص ۲۶، ح ۱۴۵۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۱، ح ۹۱.

چند نکته پیرامون اجتماع یاران

در مورد اجتماع یاران، چند نکته، قابل تذکر است:

الف) پراکندگی یاوران در نقاط مختلف زمین جناب عبدالعظیم حسنی می گوید: «به امام جواد علیه السلام عرض کردم: امیدوارم شما قائم اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله باشید؛ که زمین را پر از عدل و داد می نماید؛ هم چنان که آکنده از ظلم و جور شده باشد. حضرت فرمود: ای ابالقاسم! هیچ یک از ما (اهل بیت علیهم السلام) نیست، مگر آن که قائم به امر خدای تعالی و هادی به دین الهی است. اما قائمی که خدای متعال توسط او زمین را از اهل کفر و انکار، پاک می سازد، کسی است که ولادتش بر مردم پوشیده و شخصش از ایشان نهان است... اصحاب او به تعداد اهل (جنگ) بدر و از نقاط مختلف زمین هستند...»^۱

۱. «عَنْ عَبْدِ الْعَظِيمِ حَسَنِي قَالَ قُلْتُ لِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى إِنِّي لَأَرْجُو أَنْ تَكُونَ الْقَائِمَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ الَّذِي يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلِئْتَ جَوْزًا وَظُلْمًا فَقَالَ يَا أَبَا الْقَاسِمِ مَا مِنَّا إِلَّا قَائِمٌ بِأَمْرِ اللَّهِ وَهَادٍ إِلَى دِينِ اللَّهِ وَلَكِنَّ الْقَائِمَ الَّذِي يُطَهِّرُ اللَّهُ صلى الله عليه وآله

ب) سرعت گرد آمدن یاوران

اجتماع یاران و اصحاب آن بزرگوار، به سرعت انجام می پذیرد. امام باقر علیه السلام در توصیف چگونگی این تجمع فرموده اند: «در این قول خداوند: به سوی خیرها سبقت بگیرید، خیرات، ولایت اهل بیت علیهم السلام است و در این قول خداوند هر کجا که باشید، خداوند، همه ی شما را می آورد، مراد، اصحاب قائم علیه السلام است که سیصد و سیزده نفر می باشند. قسم به خدا، آن ها «امت معدوده» هستند (که خداوند، در آیه ی ۸ سوره هود، از آن ها یاد کرده است) و مانند پاره های ابر پائیزی، در یک ساعت گرد هم می آیند»^۱.

بِـ الْأَرْضِ مِنْ أَهْلِ الْكُفْرِ وَالْجُحُودِ وَيَمْلُؤُهَا عَدُوًّا وَقِسْطًا هُوَ الَّذِي تُخْفَى عَلَى النَّاسِ وِلَادَتُهُ وَ يَغِيبُ عَنْهُمْ شَخْصُهُ... يَجْتَمِعُ إِلَيْهِ مِنْ أَصْحَابِهِ عِدَّةٌ أَهْلِ بَدْرِ ثَلَاثِمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا مِنْ أَقْصَى الْأَرْضِ وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا. *كمال الدین و تمام النعمة*، ج ۲، ب ۳۷، ح ۲؛ *معجم احادیث امام مهدی علیه السلام*، ج ۵، ص ۳۹، ح ۱۴۶۰؛ *بحار الانوار*، ج ۵۲، ص ۲۸۳، ح ۱۰.

۱. «فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ (فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَمَا تَكُونُوا يَأْتِ

به نظر می‌رسد، یارانی که به سرعت و گاه، به صورت اعجاز آمیز در مکه حاضر می‌شوند، همان ۳۱۳ نفر می‌باشند و بقیه‌ی یاران، به صورت عادی و با طی کردن مسیر به حضرت مهدی علیه السلام ملحق می‌شوند و در جریان انقلاب، همراه ایشان خواهند بود.

ج) حرکت اعجاز آمیز برخی از یاران

در مورد کیفیت سیر اعجاز آمیز برخی از یاران امام زمان علیه السلام از زبان امام باقر علیه السلام چنین نقل شده است: «اصحاب قائم علیه السلام ۳۱۳ نفر، مرد عجم هستند؛ که پاره‌ای از آنان در میان ابر، حمل داده شده و به نام، نام پدر، نسب و خصوصیات شناخته می‌شوند و بعضی از آنان،

→

بکم جميعاً) قال: الخيرات الولاية، و قوله تبارک و تعالی (اینما تكونوا یأت بکم الله جميعاً) یعنی: اصحاب القائم الثلاثمائة و البضعة عشر رجلاً، قال: و هم والله «الامة المعدودة» قال: يجتمعون والله فی ساعة واحدة قزع کقزع الخریف». کافی، ج ۸، ص ۳۱۳، ح ۴۸۷؛ معجم احادیث امام مهدی علیه السلام ج ۵، ص ۲۸، ح ۱۴۵۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۸.

در حالی که در بستر خود خوابیده‌اند، به مکه برده می‌شوند و بدون قرار قبلی، با او دیدار می‌کنند.^۱ البته حقیقت این مطالب، برای ما روشن نیست.

(د) رجعت برخی از یاران از دنیا رفته

از برخی روایات، چنین برمی‌آید که در میان یاران خاص آن بزرگوار، که از جانب خداوند متعال، برگزیده خواهند شد، مؤمنان پاک و خالصی هستند که قبل از قیام امام، از دنیا رفته‌اند. اینان، هنگام ظهور حضرت، به دنیا باز خواهند گشت و در رکاب ایشان، جان‌فشانی خواهند کرد.

در روایتی از مفضل بن عمر به نقل از امام صادق علیه السلام آمده است: «همراه قائم علیه السلام ۲۷ نفر مرد، ۱۵ نفر از قوم حضرت موسی علیه السلام که هدایت به حق می‌کردند و به عدالت حکم

۱. «أَصْحَابُ الْقَائِمِ ثَلَاثِمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا أَوْلَادُ الْعَجَمِ بَعْضُهُمْ يُحْتَلُّ فِي السَّحَابِ نَهَارًا يُعْرَفُ بِاسْمِهِ وَ اسْمِ أَبِيهِ وَ نَسَبِهِ وَ حَلِيَّتِهِ وَ بَعْضُهُمْ نَائِمٌ عَلَى فِرَاشِهِ فَيُرَى فِي مَكَّةَ عَلَى غَيْرِ مِيقَادٍ». غیبت نعمانی، ب ۲۰، ح ۱۸؛ معجم احادیث امام مهدی علیه السلام

ج ۳، ص ۲۸۳، ح ۱۸۲۰ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۹، ح ۱۵۷.

می نمودند، ۷ نفر از اصحاب کهف، یوشع بن نون (وصی حضرت عیسی علیه السلام)، سلمان، ابودجانه‌ی انصاری، مقداد و مالک اشتر از پشت کوفه (یا کعبه) خارج می‌شوند. پس اینان، از انصار و حاکمان دولت ایشان می‌باشند.^۱

ه) همراهی زنان در قیام

زنان نیز در این حرکت بزرگ، همگام با مردان، حاضر خواهند بود و به وظایفی که به آنان سپرده می‌شود، اقدام خواهند کرد.

امام باقر علیه السلام ضمن روایتی طولانی فرموده‌اند: «قسم به خدا ۳۱۳ نفر می‌آیند؛ که در میان آن‌ها ۵۰ زن است».^۲

۱. «يَخْرُجُ مَعَ الْقَائِمِ عليه السلام مِنْ ظَهْرِ الْكُوفَةِ سَبْعٌ وَعِشْرُونَ رَجُلًا خَمْسَةَ عَشَرَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى عليه السلام الَّذِينَ كَانُوا يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ وَ سَبْعَةٌ مِنْ أَهْلِ الْكَهْفِ وَ يُوشَعَ بْنِ نُونٍ وَ سَلْمَانَ وَ أَبُو دُجَانَةَ الْاَنْصَارِيُّ وَ الْمِقْدَادُ وَ مَالِكُ الْاَشْتَرِ فَيَكُونُونَ بَيْنَ يَدَيْهِ اَنْصَاراً وَ حُكَّاماً». ارشاد مفید، ص ۳۶۵؛ معجم احادیث امام مهدی علیه السلام

ج ۵ ص ۱۲۲، ح ۱۵۴۳؛ بحار الانوار، ج ۵۳ ص ۹۰، ح ۹۵.

۲. «و یجیءُ والله ثلاثمائة و بضعة عشر رجلاً فیهم خمسون

امراته». معجم احادیث امام مهدی علیه السلام ج ۵ ص ۲۰، ح ۱۴۵۲.

دشمنان

پس از اعلام خبر ظهور، سپاهی از مخالفان و دشمنان حضرت - که در روایات، «لشکر سفیانی» خوانده شده‌اند - نیز حرکت به طرف سرزمین وحی را آغاز می‌کنند؛ تا به جنگ حضرت رفته و به زعم خود، انقلاب منجی مستضعفان را با شکست روبرو کنند.

انگیزه‌ی حرکت آنان، کاملاً روشن است؛ زیرا مانند سایر جباران و زورمداران، حیات و قدرت خود را در سایه‌ی نابودی حق می‌دانند و طبیعی است که با هر حرکت حق‌طلبانه‌ای به مبارزه برخیزند؛ به ویژه، اگر هدف این خیزش، نابودی کامل همه‌ی دژهای ظلم و سنگرهای ستم باشد و مصالحه با هیچ حکومت ظالمانه‌ای را برنتابد.

در حدیث بلندی از امام باقر علیه السلام پیرامون اوضاع و حوادث زمان ظهور، آمده است: «سفیانی، گروهی را به سمت مدینه روانه می‌کند و حال آن‌که مهدی علیه السلام از آن‌جا رهسپار مکه می‌شود. پس به فرماندهی سپاه سفیانی خبر می‌رسد که مهدی علیه السلام به جانب

مکه بیرون شده است. او لشکری را به دنبال حضرت، روانه می‌کند؛ ولی نمی‌توانند او را بیابند. سرانجام امام مهدی علیه السلام با حالت نگرانی، مانند سنت حضرت موسی علیه السلام، داخل مکه می‌شود.^۱

چگونگی اطلاع یافتن دشمنان از امر ظهور و کجایی سرزمین قیام، تا حدی روشن است؛ چراکه پس از ندای آسمانی، دشمنان نیز مانند مؤمنان، طبیعتاً از آن حادثه‌ی بزرگ، آگاه می‌شوند.

اجتماع و ملاقات یاران با حضرت

چنین به نظر می‌رسد که پس از آن که یاران حضرت مهدی علیه السلام به صورت عادی یا اعجاز گونه، در مکه حاضر شدند، ابتدا با

۱. «وَبَعَثَ السُّفْيَانِيُّ بَعْثًا إِلَى الْمَدِينَةِ فَيَنْفِرُ الْمَهْدِيُّ مِنْهَا إِلَى مَكَّةَ فَيَبْلُغُ أَمِيرَ جَيْشِ السُّفْيَانِيِّ أَنَّ الْمَهْدِيَّ قَدْ خَرَجَ إِلَى مَكَّةَ فَيَبْعَثُ جَيْشًا عَلَى آثَرِهِ فَلَا يُدْرِكُهُ حَتَّى يَدْخُلَ مَكَّةَ خَائِفًا يَتَرَقَّبُ عَلَى سُنَّةِ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ...». نعمانی، ب ۱۲، ح ۶۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۷، ح ۱۰۵؛ معجم احادیث امام مهدی علیه السلام، ج ۵، ص ۲۳، ح ۱۲۵۲.

حضرت، دیدار خواهند داشت.

چنانچه از وجود مقدس امام باقر علیه السلام نقل شده که ایشان در حالی که به ناحیه‌ی ذی طوی (کوهی در اطراف مکه) اشاره می‌نمود، فرمودند: «صاحب این امر در یکی از این دره‌ها، غیبت خواهد داشت؛ تا آن‌که قبل از خروج او، خادم مخصوصش - که پیوسته همراه اوست - با برخی از اصحاب او ملاقات می‌کند و می‌گوید: شما چند نفرید؟ آنان می‌گویند: حدود چهل مرد. پس می‌گوید: اگر صاحب خود را ببینید، چه خواهید کرد؟ آنان پاسخ می‌دهند: به خدا سوگند، اگر به ما دستور بدهد که کوه‌ها را از جا بکنیم، خواهیم کند. او در شب بعد، دوباره نزد آنان خواهد آمد و خواهد گفت: ده نفر از رهبران و برگزیدگان خود را نشان دهید. آنان، ده نفر را به او معرفی خواهند کرد. پس او، آنان را به همراه خود خواهد برد تا امامشان را ملاقات کنند و او، آنان را وعده‌ی شب بعد، خواهد

داد»^۱.

اما روشن نیست که مراد از «وعده‌ی شب بعد» چیست. آنچه از روایت دیگر استفاده می‌شود، اجتماع همه‌ی یاران، نزد حضرت، به منظور حرکت به طرف مسجد الحرام است؛ که گویا شب هنگام، صورت خواهد گرفت.

قتل نفس زکیه

بر اساس روایات، ۱۵ شب قبل از وقوع ظهور، شخصی در مسجد الحرام کشته می‌شود. قتل وی - که به «قتل نفس زکیه» مشهور است - یکی از پنج علامت حتمی

۱. «يَكُونُ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيِّبَةٌ فِي بَعْضِ هَذِهِ الشُّعَابِ ثُمَّ أَوْتَمًا يَبْدُوهُ إِلَى نَاحِيَةِ ذِي طَوَى حَتَّى إِذَا كَانَ قَبْلَ خُرُوجِهِ بِلَيْلَتَيْنِ انْتَهَى الْمَوْلَى الَّذِي يَكُونُ بَيْنَ يَدَيْهِ حَتَّى يَلْقَى بَعْضَ أَصْحَابِهِ فَيَقُولُ كَمْ أَنْتُمْ هَاهُنَا فَيَقُولُونَ نَحْوُ مِنْ أَرْبَعِينَ رَجُلًا فَيَقُولُ كَيْفَ أَنْتُمْ لَوْ قَدْ رَأَيْتُمْ صَاحِبَكُمْ فَيَقُولُونَ وَاللَّهِ لَوْ يَأْوِي بِنَا الْجِبَالِ لَأَوْتَيْنَاهَا مَعَهُ ثُمَّ يَأْتِيهِمْ مِنَ الْقَابِلَةِ فَيَقُولُ لَهُمْ أَشِيرُوا إِلَيَّ ذَوِي أَسْنَانِكُمْ وَ أَخْيَارِكُمْ عَشْرَةَ [عَشِيرَةَ] فَيُشِيرُونَ لَهُ إِلَيْهِمْ فَيَنْطَلِقُ بِهِمْ حَتَّى يَأْتُونَ صَاحِبَهُمْ وَ يَعِدُّهُمْ إِلَى اللَّيْلَةِ الَّتِي تَلِيهَا» غيبت نعمانی، ب ۱، ح ۳۰؛ معجم احادیث امام مهدی علیه السلام، ج ۵، ص ۲۶.

ح ۱۴۵۲؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۱، ح ۹۱.

ظهور محسوب می‌شود. چنان‌چه از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «بین قیام قائم علیه السلام و کشته شدن نفس زکیه، پانزده شب، فاصله خواهد بود»^۱.

از برخی روایات استفاده می‌شود که این شخص، جوانی است از فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله و از آن‌جا که انسان پاک و وارسته‌ای بوده و بدون گناه کشته می‌شود، به «نفس زکیه» معروف گردیده است.

در فرازی از روایت امام باقر علیه السلام، محل شهادت وی، مسجد الحرام، مطرح شده است: «و جوانی از آل محمد صلی الله علیه و آله که نام او، محمد بن حسن، نفس زکیه است، بین رکن و مقام کشته می‌شود»^۲.

۱. «لیس بین قیام قائم آل محمد و بین قتل النفس الزکیة الا خمسة عشر ليلة». معجم احادیث امام مهدی علیه السلام، ج ۲، ص ۲۹۱، ح ۱۲۷ و کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ب ۵۷، ح ۲؛ غیبت طوسی، ف ۷، ص ۲۲۵، ح ۴۲۰؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۳، ب ۲۵، ح ۳۰.

۲. «و قُتِلَ غُلَامٌ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَ بَيْنَ الرَّكْنِ وَ الْمَقَامِ اسْمُهُ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ النَّفْسُ الزُّكِيَّةُ». کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ب ۳۲، ح ۱۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۱، ح ۲۴.

در مورد علت و کیفیت کشته شدن وی نیز در روایت دیگری از امام باقر علیه السلام چنین نقل شده است: «حضرت قائم علیه السلام به اصحاب خود می گوید: ای قوم، اهل مکه مرا نمی-خواهند؛ ولی من کسی را به سوی آنان می-فرستم؛ تا حجت را بر ایشان، تمام، و به آنچه سزاوار است، بر آنها احتجاج کند. پس، مردی از اصحاب خود را فرا می خواند و به او می فرماید: به سوی اهل مکه برو و از طرف من به آنان بگو: به درستی که ما اهل بیت رحمت و معدن رسالت و خلافت و از فرزندان محمد صلی الله علیه و آله و از تبار و سلاله ی پیامبرانیم. ما مورد ظلم و ستم واقع شده ایم و حق ما را از زمانی که پیامبران از دنیا رفت، گرفته اند. پس اکنون ما شما را به یاری می طلبیم؛ پس ما را یاری کنید. اما چون آن جوان، این کلام را بگوید مردم به سوی او بروند و او را بین رکن و مقام، ذبح کنند و اوست نفس زکیه»^۱.

۱. « يَقُولُ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِأَصْحَابِهِ يَا قَوْمِ إِنَّ أَهْلَ مَكَّةَ لَا يُرِيدُونَنِي وَ لَكِنِّي مُرْسِلٌ إِلَيْهِمْ لِأَحْتَجَّ عَلَيْهِمْ بِمَا يَنْبَغِي لِمِثْلِي أَنْ يَحْتَجَّ عَلَيْهِمْ فَيَدْعُو رَجُلًا مِنْ أَصْحَابِهِ فَيَقُولُ لَهُ امْضِ إِلَى أَهْلِ مَكَّةَ فَقُلْ يَا

→
 أَهْلَ مَكَّةَ أَنَا رَسُولُ فَلَانٍ إِلَيْكُمْ وَهُوَ يَقُولُ لَكُمْ إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ
 الرَّحْمَةِ وَمَعْدِنِ الرُّسَالَةِ وَالْخِلَافَةِ وَنَحْنُ ذُرِّيَّةُ مُحَمَّدٍ وَ سُلَالَةُ
 النَّبِيِّنَ وَإِنَّا قَدْ ظَلَمْنَا وَاضْطَهَدْنَا وَقَهَرْنَا وَابْتَزْنَا حَقَّنَا مِنْذُ
 قُبُضِ نَبِيِّنَا إِلَى يَوْمِنَا هَذَا فَنَحْنُ نَسْتَنْصِرُكُمْ فَاَنْصُرُونَا فَإِذَا تَكَلَّمْ
 هَذَا الْفَتَى بِهَذَا الْكَلَامِ آتَوْا إِلَيْهِ فَذَبَحُوهُ بَيْنَ الرَّكْنِ وَالْمَقَامِ وَهِيَ
 النَّفْسُ الزَّكِيَّةُ . « معجم احاديث امام مهدي عليه السلام ج ٣، ص ٢٩٤،

ح ١٨٣١ بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٣٠٧، ح ٨١

فصل دوم:
ظہور منجی

پس از آنکه شرایط ظهور حضرت مهدی علیه السلام فراهم شد و خداوند، به ایشان، اجازه‌ی ظهور داد، در میان مردم، ظاهر می‌شوند و انقلاب بزرگ خود را آغاز می‌کنند. کیفیت و چگونگی اعلام ظهور را می‌توان چنین به تصویر کشید:

حرکت به طرف مسجد الحرام

با بررسی روایات مربوط به ظهور، می‌توان دریافت که پس از حضور یاران در مکه و دیدار آنان با حضرت، همگی در کوه ذی طوی مستقر می‌شوند. این استقرار، زمان کوتاهی بیش‌تر نخواهد بود؛ تا این‌که با اذن الهی و در روز موعود، امام علیه السلام و یاران به طرف مسجد

الحرام، حرکت، و از کنار کعبه، ظهور عدالت را اعلام می‌کنند.

امام باقر علیه السلام در این باره فرموده‌اند: «همانا قائم علیه السلام در میان گروهی به عدد اهل بدر (۳۱۳ نفر) از گردنهی ذی طوی پائین می‌آید؛ تا این‌که پشت خود را به حجر الاسود تکیه می‌دهد و پرچم پیروزی را به اهتزاز در می‌آورد.»^۱

روز حرکت

آن‌چه تقریباً مسلم و مورد پذیرش است، این است که آغاز قیام بزرگ و جهانی امام مهدی علیه السلام مقارن با روز عاشورا خواهد بود. این مطلب، در روایات مختلفی، مورد اشاره واقع شده است. از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «در شب بیست و سوم (ماه رمضان) به اسم قائم علیه السلام ندا داده می‌شود و در روز عاشورا

۱. «إِنَّ الْقَائِمَ يَنْتَظِرُ مِنْ يَوْمِهِ ذِي طُوًى فِي عِدَّةِ أَهْلِ بَدْرٍ ثَلَاثِمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا حَتَّى يُسِنِدَ ظَهْرَهُ إِلَى الْحَجَرِ وَ يَهْزُ الرِّايَةَ الْمُغْلَبَةَ». غیبت نعمانی، ب ۲۰، ح ۹؛ معجم احادیث امام

مهدی علیه السلام ج ۳، ص ۲۴۳، ح ۷۷۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۰.

قیام می‌کند و آن، روزی است که امام حسین علیه السلام در آن، کشته شد.^۱ در روایت دیگری نیز از ایشان، آمده است: «قائم علیه السلام در روز عاشورا قیام می‌کند».^۲

شاید حکمت این تقارن، در این باشد که امام مهدی علیه السلام ادامه دهنده همان حرکتی خواهد بود که جد بزرگوارشان، امام حسین علیه السلام در کربلا و در روز عاشورا پایه‌ریزی کرد. البته در این که آن روز عاشورایی که امام زمان علیه السلام در آن، قیام می‌کند، کدام روز از روزهای هفته خواهد بود، اختلاف است. برخی، طبق بعضی روایات، آن روز را روز شنبه می‌دانند؛ مانند روایتی که از امام صادق علیه السلام در ارشاد مفید بیان شده است. حضرت در ضمن آن روایت، می‌فرماید: «گویا او را می‌بینم که در

۱. «ینادی باسم القائم علیه السلام فی لیلة ثلاث و عشرين و یقوم فی یوم عاشوراء و هو الیوم الذی قتل فیہ الحسین بن علی علیه السلام». ارشاد، ص ۳۶۱؛ معجم احادیث امام مهدی علیه السلام، ج ۲، ص ۴۸۹، ح ۱۰۶۰.

۲. «یقوم القائم یوم عاشوراء». غیبت نعمانی، ب ۱۴، ح ۶۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۷، ح ۵۶.

روز شنبه، دهم محرم، بین رکن و مقام ایستاده است و جبرئیل ندای بیعت سر می-دهد و شیعیان از اطراف به سمت ایشان می-آیند.^۱ از امام باقر علیه السلام نیز نقل شده است: «قائم علیه السلام روز شنبه و عاشورا خروج می کند؛ روزی که در آن، امام حسین علیه السلام کشته شد».^۲

در عین حال، برخی دیگر، روز جمعه را روز ظهور می دانند. اینان نیز به روایتی تمسک می-کنند که از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «قائم ما اهل بیت علیهم السلام در روز جمعه خروج می کند».^۳

۱. «کأنی به یوم السبت العاشر من المحرم قائم بین الرکن و المقام جبرئیل رضی الله عنه بین یدیه ینادی بالبیعة لیمضین الیه شیعتہ من أطراف الأرض». ارشاد، ج ۲، ص ۳۷۹.

۲. « ینخرجُ القائمُ رضی الله عنه یومَ السبتِ یومَ عاشوراءَ الیومَ الذی قُتِلَ فیهِ الحُسَینُ ». کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ب ۵۷، ح ۱۹؛ معجم احادیث امام مهدی رضی الله عنه، ج ۳، ص ۲۹۳، ح ۸۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۵، ح ۱۷؛ همان، ص ۲۹۰، ح ۳۰ و همان، ج ۹۸، ص ۱۹۰، ح ۳.

۳. « ینخرجُ قائمنا اهلَ البیتِ یومَ الجُمُعَةِ ». خصال، ج ۲، ص ۳۹۴، ح ۱۰۱؛ معجم احادیث امام مهدی رضی الله عنه، ج ۳، ص ۴۹۶، ح ۱۰۶۷؛ بحار الانوار، ج ۷، ص ۵۹، ح ۲.

شاید بتوان این روایات را چنین جمع کرد؛ که یومِ ظهور، روز جمعه است؛ اما روز شنبه، روزی است که لشکر ده هزار نفری حضرت، در مکه گرد آمده و تحت فرماندهی آن امیر بزرگ، جنگ با مشرکان را شروع خواهند کرد.

اعلام ظهور در مسجد الحرام

زمانی که حضرت با یاران، وارد مسجد الحرام می‌شوند، نزد مقام ابراهیم رفته و در آن جا چهار رکعت نماز می‌خوانند.

در حدیثی از امام باقر علیه السلام آمده است: «امام مهدی علیه السلام از عقبه‌ی طوی، همراه با ۳۱۳ نفر مرد، به تعداد اصحاب بدر، خارج می‌شود و پائین می‌آید؛ تا این که به مسجد الحرام وارد می‌شود و نزد مقام ابراهیم، چهار رکعت نماز می‌خواند».^۱

در روایات عامه (اهل سنت)، ورود امام

۱. «يَخْرُجُ فَيَهْبِطُ مِنْ عَقْبَةِ طَوًى فِي ثَلَاثِمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا عِدَّةِ أَهْلِ بَدْرٍ حَتَّى يَأْتِيَ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ فَيُصَلِّي فِيهِ عِنْدَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ». معجم احادیث امام مهدی علیه السلام ج ۲،

ص ۲۹۴، ح ۸۳۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۷، ح ۸۱.

مهدی علیه السلام در هنگام عشاء ذکر شده است. ابن حماد از امام باقر علیه السلام نقل کرده است: «مهدی علیه السلام هنگام عشاء، به مکه ظاهر می‌شود... پس هنگامی که نماز عشاء را خواند، ندا می‌دهد»^۱.

سخن حضرت

سپس حضرت به طرف کعبه رفته و کنار آن بیت شریف و نزد حجرالاسود، آن سنگ بهشتی، قرار می‌گیرد و با سخنان زیبا و رسای خود، ظهور حجت حق را اعلام می‌کند. در لسان برخی از روایات، به فرازهایی از کلام آن بزرگوار، اشاره شده است. از امام باقر علیه السلام نقل شده است: «پس هنگامی که او خروج کند، پشت خود را به کعبه، تکیه دهد و نزد او ۳۱۳ نفر اجتماع کنند؛ و اول چیزی که بگوید، این آیه‌ی شریفه است: بقية الله خير لكم ان كنتم مؤمنين. سپس بگوید: من

۱. «يظهر المهدي بمكة عند العشاء... فإذا صلى العشاء نادى بأعلا صوته». معجم احاديث امام مهدي عليه السلام، ج ۳، ص ۲۹۵.

بقیة الله و حجت و خلیفه‌ی او بر شمایم»^۱.
ایشان در آن هنگام، خطبه‌ای نیز قرائت
می‌کنند؛ که به نقل از امام باقر علیه السلام چنین
است:

«ای مردم! ما از خدا یاری می‌طلبیم. چه
کسی (دعوت) ما را پاسخ می‌گوید؟ به درستی
که ما خاندان پیامبرتان، محمد صلی الله علیه و آله و
شایسته‌ترین مردم به او و خداوند می‌باشیم.
پس هر که با من، درباره‌ی آدم علیه السلام احتجاج
کند، پس من سزاوارترین مردم به
آدم علیه السلام هستم؛ و هر کس با من، درباره‌ی
نوح علیه السلام احتجاج کند، پس من سزاوارترین
مردم به نوح علیه السلام هستم؛ و هر کس با من،
درباره‌ی ابراهیم علیه السلام به احتجاج بپردازد، پس
من شایسته‌ترین مردم به ابراهیم علیه السلام هستم؛ و
هر کس درباره‌ی محمد صلی الله علیه و آله با من به
احتجاج برخیزد، پس من سزاوارترین مردم به

۱. «فإذا خرج أسند ظهره إلى الكعبة واجتمع عنده ثلاثمائة
وثلاثة عشر رجلاً، وأول ما ينطق به هذه الآية: (بقية الله خير
لكم إن كنتم مؤمنين)، ثم يقول: أنا بقية الله وحجته وخليفته
عليكم». معجم احادیث امام مهدی علیه السلام، ج ۲، ص ۴۹۲، ح ۱۰۶۳.

محمد ﷺ هستم؛ و هر کس در مورد پیامبران با من احتجاج کند، پس من شایسته‌ترین مردم به پیامبران هستم.

مگر خداوند در کتاب خود نمی‌فرماید: همانا خداوند، آدم، نوح، آل ابراهیم و آل عمران را بر جهانیان برگزید. فرزندان که برخی از آنان، از نسل پاره‌ای دیگر هستند و خداوند شنوا و دانا است^۱. پس من یادگاری هستم از آدم ﷺ و به جا مانده‌ای از نوح ﷺ و برگزیده‌ای از ابراهیم ﷺ و ممتاز شده‌ای از محمد ﷺ. درود خداوند بر همه‌ی آنان باد.

به راستی، هر کس با من با کتاب خدا احتجاج کند، من شایسته‌ترین مردم به کتاب خدا هستم؛ و هر کس در مورد سنت رسول خدا ﷺ با من احتجاج کند، من سزاوارترین مردم به سنت او هستم.

پس هر کس که امروز سخن مرا می‌شنود، به خدا سوگند می‌دهم، که (سخن مرا) به غائبان ابلاغ کند؛ و به حقّ خدا، حقّ رسول خدا ﷺ و به حقّ خودم - که حقّ

۱. آل عمران (۳): ۳۴.

خویشاوندی با رسول خدا ﷺ است - از شما می‌خواهم که ما را یاری نمائید و آن کس را که به ما ستم می‌کند، از ما باز بدارید؛ که ما مورد وحشت و ستم قرار گرفته‌ایم و از شهرها و فرزندانمان، رانده، و از حَقمان کنار زده شده‌ایم و بر ما ستم شده است و آنان که بر باطل هستند، بر ما نسبت ناروا بسته‌اند. پس خدا را، خدا را (به یاد آورید) در حق ما. ما را خوار نسازید و ما را یاری کنید؛ تا خدای تعالی شما را یاری دهد»^۱.

مراسم بیعت

پس از آن که وجود مقدس امام زمان علیه السلام ظهور خود را اعلام کند و مردم را به سوی خود و یاری از نهضت بزرگ فرا خواند، اولین کسی که با آن بزرگوار، بیعت خواهد کرد، جناب جبرئیل علیه السلام خواهد بود.

در خبر آمده است که بکیر بن اعین از امام صادق علیه السلام پیرامون حجرالاسود و مکان آن

۱. غیبت نعمانی، ب ۱۴، ح ۴۷؛ معجم احادیث امام مهدی علیه السلام

ج ۵، ص ۲۳۸؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۷، ح ۱۵.

پرسید. حضرت در ضمن پاسخ او فرمود: «در این مکان (رکنی از کعبه که حجر الاسود در آن قرار دارد) پرنده‌ای بر قائم علیه السلام نازل می‌شود. پس آن پرنده، اولین کسی است که با او بیعت می‌کند و قسم به خدا، او جبرئیل علیه السلام است.»^۱

در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام بیعت جبرئیل علیه السلام چنین ترسیم شده است: «هنگامی که خدای متعال به قائم علیه السلام اجازه‌ی خروج دهد، بالای منبر می‌رود؛ مردم را به طرف خود دعوت می‌کند و آن‌ها را به خدا قسم می‌دهد که او را در احقاق حق خود یاری کنند و اعلام می‌نماید که در میان آن‌ها به سیره‌ی رسول خدا صلی الله علیه و آله رفتار می‌کند.

پس خداوند، جبرئیل را بر می‌انگیزد تا به سوی او برود و در حطیم (مکانی در مسجد الحرام، بین حجرالاسود و در کعبه و مقام

۱. «وَمِنْ ذَلِكَ الْمَكَانِ يَهْبِطُ الطَّيْرُ عَلَى الْقَائِمِ عليه السلام فَأَوَّلُ مَنْ يُتَابِعُهُ ذَلِكَ الطَّائِرُ وَهُوَ وَاللَّهُ جِبْرَائِيلُ». کافی، ج ۴، ص ۱۸۵، ح ۳؛ معجم احادیث امام مهدی علیه السلام، ج ۲، ص ۴۹۴، ح ۱۰۶۵؛

بحار الانوار، ص ۲۹۹، ح ۶۳.

ابراهیم) بر او نازل شود و بگوید: به چه چیزی دعوت می کنی؟ پس قائم علیه السلام او را خبر می دهد. پس جبرئیل می گوید: من اول کسی هستم که با تو بیعت می کنم. دستت را باز کن. پس دست آن حضرت را مسح می کند. پس از او، ۳۱۳ نفر بر حضرت وارد می شوند (مقابل حضرت می آیند) و با او بیعت می کنند. سپس جبرئیل علیه السلام ندا می دهد و مردم را به سوی دعوت الهی و یاری حضرت، فرا می خواند.^۱

ایشان در جای دیگری فرموده اند: «گویا او را می بینم که در روز شبه، دهم محرم، بین رکن و مقام ایستاده است و جبرئیل علیه السلام در

۱. «إِذَا أَدِنَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِلْقَائِمِ فِي الْخُرُوجِ صِدِّ الْمُنْبِرِ وَ دَعَا النَّاسَ إِلَى نَفْسِهِ وَ نَاشَدَهُمْ بِاللَّهِ وَ دَعَاَهُمْ إِلَى حَقِّهِ وَ أَنْ يَسِيرَ فِيهِمْ بِسِيرَةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ يَفْعَلَ فِيهِمْ بِعَمَلِهِ فَيَبْعَثُ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ جِبْرَائِيلَ علیه السلام حَتَّى يَأْتِيَهُ فَيَنْزِلُ عَلَى الْخَطِيمِ ثُمَّ يَقُولُ لَهُ: إِلَى أَيِّ شَيْءٍ تَدْعُو؟ فَيُخْبِرُهُ الْقَائِمُ عليه السلام فَيَقُولُ جِبْرَائِيلُ: أَنَا أَوَّلُ مَنْ يُبَايِعُكَ ابْسُطْ يَدَكَ فَيَمْسَحُ عَلَى يَدِهِ وَ قَدْ وَافَاهُ ثَلَاثِينَ مِائَةً وَ بِيضَةً عَشَرَ رَجُلًا فَيُبَايِعُونَهُ». ارشاد مفید، ص ۲۶۲؛ معجم احادیث امام مهدی علیه السلام، ج ۳، ص ۴۹۲، ح ۱۰۶۲؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۷.

طرف راست او ندا می‌دهد: البیعة لله؛ بیعت برای خداست. سپس شیعیانش از اطراف زمین به سوی او می‌آیند.^۱

وقایع مکه

در فاصله‌ی وقوع ظهور تا زمانی که حضرت، شهر مکه را به قصد سایر بلاد و شروع انقلاب، ترک نمایند، حوادثی رخ می‌دهد و حضرت، اقداماتی انجام می‌دهند؛ که به پاره‌ای از آنها اشاره می‌شود:

لشکریان

آنچه از روایات استفاده می‌شود، حکایت از آن دارد که لشکریان حضرت را دو گروه ملائکه و انسان‌ها تشکیل می‌دهند؛ که با اجتماع آنان، قیام و حرکت حضرت شروع می‌شود.

۱. «كَانِي بِالْقَائِمِ يَوْمَ عَاشُورَاءَ يَوْمَ السَّبْتِ قَائِمًا بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ بَيْنَ يَدَيْهِ جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُنَادِي الْبَيْعَةَ لِلَّهِ». ارشاد، ص ۳۶۱؛ معجم احادیث امام مهدی علیه السلام، ج ۲، ص ۴۸۹، ح ۱۰۶۰.

ملائکهای الهی

در روایات متعددی به حضور ملائکه در سپاه امام زمان علیه السلام، به منظور نصرت و یاری ایشان، اشاره شده است.

امام باقر علیه السلام در این رابطه فرموده‌اند: «ملائکهای که حضرت محمد صلی الله علیه و آله را در جنگ بدر یاری کردند، هنوز در زمین هستند و به آسمان نرفته‌اند؛ و بالا نخواهند رفت تا آن که صاحب این امر را یاری دهند و آنان، پنج هزار نفرند».^۱

امام حسن مجتبی علیه السلام نیز به نقل از پدر بزرگوارش، امیرالمؤمنین علیه السلام، پیرامون وقایع آخرالزمان و قیام ولی عصر علیه السلام فرموده‌اند: «خداوند، او را با ملائکهای خود، تأیید و یاری می‌کند».^۲

۱. «إِنَّ الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ نَصَرُوا مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَوْمَ بَدْرٍ فِي الْأَرْضِ مَا صَعِدُوا بَعْدُ وَلَا يَصْعَدُونَ حَتَّى يَنْصُرُوا صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ وَهُمْ خَمْسَةٌ أَلْفٍ». معجم احادیث امام مهدی علیه السلام، ج ۳، ص ۲۸۹، ج ۸۲۴؛ بحار الانوار، ج ۱۹، ص ۲۸۴، ح ۲۶.

۲. «يُؤَيِّدُهُ اللَّهُ بِمَلَائِكَتِهِ». معجم احادیث امام مهدی علیه السلام، ج ۳، ص ۱۶۶، ح ۶۹۲؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۰، ح ۴.

انسان‌ها

همان‌گونه که بیان شد، ظهور حضرت در مکه همراه با ۳۱۳ نفر تحقق پیدا می‌کند. پس از ظهور، سایر یاران نیز خود را به مکه می‌رسانند؛ تا لشگر ده هزار نفری حضرت مهیا شود.

در روایتی از ابو بصیر نقل شده است: «مردی از اهل کوفه از امام صادق علیه السلام پرسید: همراه با قائم علیه السلام چه تعدادی خروج می‌کنند؟ مردم می‌گویند به تعداد اصحاب بدر، سیصد و سیزده نفر با او خروج می‌کنند. حضرت فرمود: او خروج نمی‌کند، مگر همراه با صاحبان قدرت و صاحبان قدرت، کمتر از ده هزار نفر نمی‌باشند»^۱.

از این روایت به خوبی استفاده می‌شود که بین ظهور و خروج حضرت، تفاوت است. در روایتی دیگر، کیفیت حرکت حضرت از زبان

۱. «مَا يَخْرُجُ إِلَّا فِي أَوْلَى قُوَّةٍ وَ مَا يَكُونُ أَوْلَى الْقُوَّةِ أَقْلٌ مِنْ عَشْرَةِ آلَافٍ». کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ب ۵۷، ح ۲۰؛ معجم احادیث امام مهدی علیه السلام، ج ۴، ص ۵، ح ۱۰۷۸؛ بحار الانوار،

امام صادق علیه السلام چنین نقل شده است: «قائم علیه السلام خروج نمی‌کند، مگر آن که حلقه (سپاه) کامل شود؛ و آن، ده هزار نفر است. جبرئیل علیه السلام طرف راست و میکائیل علیه السلام طرف چپ آن حضرت خواهند بود. سپس پرچم را به اهتزاز در می‌آورد و با آن حرکت می‌کند»^۱.

در روایت دیگری که از عبدالعظیم حسنی نقل شده، به روشنی، شروع حرکت مسلحانه به اجتماع ده هزار مرد، مشروط دانسته شده است. امام جواد علیه السلام بنابر این نقل، پس از بیان برخی ویژگی‌های حضرت مهدی علیه السلام می‌فرمایند: «اصحاب او به تعداد اصحاب بدر، سیصد و سیزده نفر مرد، از نقاط مختلف زمین، به سوی او اجتماع می‌کنند و این، همان قول خداوند عزیز و جلیل است که هر کجا که باشید خداوند همه شما را می‌آورد. به درستی که او بر هر کاری توانا است^۲ و چون این تعداد از اهل اخلاص، گرد او جمع شدند،

۱. غیبت نعمانی، ف ۱۹، ح ۲؛ معجم احادیث امام مهدی علیه السلام

ص ۳۷۸، ح ۹۴۰؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۷، ح ۱۵۲.

۲. بقره (۲): ۱۴۸.

خدا امر او را ظاهر می‌کند. پس هنگامی که عقد - که ده هزار نفر مرد هستند - برای او کامل شد، به اذن خدای عزیز و جلیل، خروج می‌کند. پس دشمنان خدا را می‌کشد؛ تا خدای عزیز و جلیل راضی شود.^۱

انتشار خبر «خسف پیداء»

گفته شد که پس از اعلام ظهور، لشکر سفیانی به طرف مکه به راه می‌افتند. اما این لشکر شیطانی، قبل از رسیدن به مدینه، در منطقه‌ای به نام «بیداء» دچار عذاب الهی شده و در زمین، فرو می‌روند؛ به گونه‌ای که فقط دو یا سه نفر از آنان، نجات پیدا می‌کنند؛ تا دیگران را از این واقعه آگاه نمایند.

۱. «أَصْحَابُهُ عِدَّةٌ أَهْلِ بَدْرٍ ثَلَاثِينَ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا مِنْ أَقَاصِي الْأَرْضِ وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ فَإِذَا اجْتَمَعَتْ لَهُ هَذِهِ الْعِدَّةُ مِنْ أَهْلِ الْإِخْلَاصِ أَظْهَرَ أَمْرَهُ فَإِذَا أَكْمَلَ لَهُ الْعَقْدُ وَ هُوَ عَشْرَةُ آلَافٍ رَجُلٍ خَرَجَ بِإِذْنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَلَا يَزَالُ يَقْتُلُ أَعْدَاءَ اللَّهِ حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ». *كمال الدين و تمام النعمة*، ج ۲، ب ۳۶.

از وجود مقدس امام باقر علیه السلام ضمن روایت بلندی، چنین نقل شده است: «... فرمانده سپاه سفیانی در صحرا فرود آید. پس منادی از آسمان ندا دهد: ای دشت بیداء، آن قوم را نابود کن. سپس دشت، آنان را در خود فرو می‌برد و هیچ یک از آنان نجات پیدا نمی‌کند؛ مگر سه نفر؛ که خداوند، روی آنها را به پشت برمی‌گرداند و ایشان از (قبیله‌ی) کلب هستند و این آیه، در مورد آنان نازل شده است: ای کسانی که به شما کتاب داده شده است، به آنچه ما نازل کرده‌ایم ایمان بیاورید؛ که تصدیق کننده‌ی چیزی است که نزد شماست (تورات و انجیل)؛ پیش از آن که چهره‌هایی را محو سازیم و آنها را به پشتشان برگردانیم»^۱.

۱. نساء (۴): ۴۷

۲. «يَنْزِلُ أَمِيرُ جَيْشِ السُّفْيَانِيِّ الْبَيْدَاءَ فَيُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ يَا بَيْدَاءُ أَيْدِي الْقَوْمِ فَيُخَسَفُ بِهِمْ فَلَا يُفْلِتُ مِنْهُمْ إِلَّا ثَلَاثَةٌ نَقَرِ يُحْوَلُ اللَّهُ وُجُوهُهُمْ إِلَىٰ أَقْفِيَّتِهِمْ وَهُمْ مِنْ كَلْبٍ وَفِيهِمْ نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا الْكِتَابَ آمِنُوا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرُدَّهَا عَلَىٰ أَدْبَارِهَا». نحييت نعماني، ب ۱۲،

در روایتی که عیاشی از امام باقر علیه السلام نقل کرده، نیز آمده است: «آن دو از آن چه برای یارانیشان واقع می‌شود، به مردم خبر می‌دهند».^۱

در برخی روایات عامه، اسم آن دو نفری که نجات خواهند یافت، «بشیر» و «نذیر» عنوان شده است. بر اساس همان روایات، بشیر به مکه و خدمت امام مهدی علیه السلام خواهد رفت و بشارت نابودی لشکر سفیانی را به ایشان خواهد داد و نذیر نیز به طرف سفیانی رفته و او را از واقعه با خبر خواهد کرد.^۲

اصلاحات در مکه

در برخی روایات مهدوی، مطرح شده است که امام زمان علیه السلام پس از ظهور، اصلاحاتی را

→

ح ۶۷؛ معجم احادیث امام مهدی علیه السلام، ج ۵، ص ۲۳.

حاشیه ۱۲۵۲؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۷، ح ۱۰۵.

۱. «یخبران الناس بما فعل بأصحابهما». تفسیر عیاشی، ج ۲،

ص ۵۶، ح ۴۹؛ معجم احادیث امام مهدی علیه السلام، ج ۵، ص ۲۷،

ح ۱۲۵۳.

۲. معجم احادیث امام مهدی علیه السلام، ج ۱، ص ۴۹۷، ح ۳۳۵.

در مکه انجام می‌دهند. البته از آنجا که به زمان انجام اصلاحات، اشاره‌ای نشده، این احتمال موجود است که مربوط به دوران پس از استقرار حکومت ایشان باشد.

الف) اصلاح امر طواف

با توجه به گسترش جمعیت و محدودیت مکانی اطراف کعبه، امر طواف در مواردی با کندی و مشکل رو به رو می‌شود و طواف کنندگان نمی‌توانند به صورت صحیح، به این عبادت ارزشمند اقدام کنند. با این اوصاف، اگر طواف کنندگان، محرم باشند و بخواهند طواف واجب انجام دهند، طبیعی است که ازدحام جمعیت، کار را بر آنان دشوار می‌سازد و حتی ممکن است در انجام این عمل واجب، دچار اشکال شوند. از این رو، یکی از اولین اقدامات حضرت، تسهیل امر طواف برای افراد محرم می‌باشد.

در این زمینه، از امام صادق علیه السلام روایت شده است: «اول چیزی که قائم علیه السلام از عدل خود نشان می‌دهد، این است که شخصی از جانب او ندا می‌دهد: کسانی که طواف مستحب انجام می‌دهند، حجر الاسود و

(محل) طواف را به طواف کنندگان واجب تسلیم کنند»^۱.

ب) حفظ اموال عمومی

از دیگر اموری که حضرت قائم علیه السلام به آن همت می‌گمارد، توجه به اموالی است که مربوط به عموم مردم می‌باشد و باید منفعت و سود آن در راه استفاده‌ی عموم قرار گیرد. از جمله‌ی این اموال، هر آن چیزی است که مربوط به خانه‌ی خدا باشد؛ که باید تحت سرپرستی ولیّ خدا و در راه رضایت خدا به مصرف برسد.

به نظر می‌آید با توجه به حکومت حاکمان ظلم و جور در دوره‌های مختلف، برخی از متولیان مسجد الحرام، دست‌تعدی به طرف این اموال، دراز، و آن‌ها را سرقت می‌کرده‌اند. اما با ظهور حجت خدا و تسلط او بر مکه، جلوگیری از سرقت این اموال و اجرای حد بر

۱. «أول ما يظهر القائم من العدل أن ينسأدى مناديه أن يسلم صاحب النافلة لصاحب الفريضة الحجر الاسود والطواف». کافی، ج ۴، ص ۲۲۷، ح ۱؛ معجم احادیث امام مهدی علیه السلام، ج ۴، ص ۶۴، ح ۱۱۳۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۴، ح ۱۶۹.

سارقان، در دستور کار ایشان قرار می‌گیرد.
 در روایتی از امام صادق علیه السلام پیرامون اقدامات
 امام زمان علیه السلام آمده است: «او اول کاری که می-
 کند، با بنی شیبه است. دست‌های آنان را می-
 بُرد؛ از درِ کعبه آویزان می‌کند و منادی او ندا
 می‌دهد: اینان سارقان (خانه‌ی) خدایند»^۱.

در روایتی از سدیر صیرفی به نمونه‌ای از
 این سرقت‌ها اشاره شده است. وی از یکی از
 اهالی جزیره نقل کرده است: «من کنیزی را
 نذر خانه‌ی خدا کرده و او را به مکه آورده
 بودم. از این رو، پرده داران خانه‌ی خدا را
 ملاقات، و آن‌ها را از نذر خود آگاه می‌کردم.
 مطلب را که برای هر کدام از آنان، بیان می-
 کردم، می‌گفت: کنیز را نزد من بیاور؛ خدا
 نذرت را خواهد پذیرفت. پس وحشت شدیدی
 مرا فرا گرفت. جریان را با یکی از یارانم - که
 اهل مکه بود - در میان گذاشتم. او گفت: به
 این مرد که روبروی حجرالاسود نشسته است،

۱. «يَبْدَأُ بَنِي شَيْبَةَ فَيَقَطُّ أَيْدِيَهُمْ لِأَنَّهُمْ سُرَّاقُ بَيْتِ اللَّهِ تَعَالَى».

غیبت نعمانی، ب ۱۹، ح ۲؛ معجم احادیث امام مهدی علیه السلام ج ۲،

ص ۲۸۶، ح ۹۴۰؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۶۰، ح ۱۲۹.

بنگر. او ابو جعفر، محمد بن علی، امام باقر علیه السلام است. نزد او برو و جریان نذر و کلام پرده داران را تعریف کن.

سپس من نزد امام رفتم و با ایشان صحبت کردم. امام پس از اطلاع از موضوع، فرمود: بنده‌ی خدا! همانا خانه‌ی خدا نه چیزی می‌خورد و نه می‌آشامد. پس کنیز خود را بفروش و در میان همشریانت که به زیارت این خانه آمده‌اند، جستجو کن. سپس آن مبلغ را به هر کدام از آنان که پولش تمام گشته بده؛ تا قادر به بازگشت به شهر خود باشد.

من نیز همان کار را کردم و بعد از آن، هیچ یک از پرده داران را ملاقات نمی‌کردم، مگر این که وقتی از جریان آگاه می‌شد، می‌گفت: او مردی دروغگو و ناآگاه است. من گفته‌ی آنان را به امام باقر علیه السلام اطلاع دادم. ایشان فرمود: سخن آنان را به من گفتی. آیا سخن مرا نیز به آنها می‌رسانی؟ گفتم: آری. فرمود: به آنها بگو، ابوجعفر برای شما پیام داد، چگونه خواهید بود اگر دست‌ها و پاهایتان بریده شود و در کعبه آویخته گردد. سپس به شما گفته شود: فریاد کنید که ما دزدان کعبه‌ایم.

هنگامی که خواستم برخیزم، ایشان دوباره فرمود: البته من آن کار را نمی‌کنم؛ بلکه آن را مردی از خاندان من، انجام خواهد داد.^۱

ج) بازسازی مسجد الحرام

مسجد الحرام، در طول تاریخ بنای خود، بارها توسط سیل یا حمله و درگیری، ویران، و مجدداً بازسازی شده؛ که در طی این دوره‌ها، تغییرات اندکی نیز در آن ایجاد شده است. از این رو، گویا یکی از برنامه‌های اصلاحی امام زمان علیه السلام برگرداندن مسجد الحرام و خانه‌ی کعبه، به حالت اولیه‌ی آن است.

چنان‌چه امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: «قائم علیه السلام مسجد النبی و مسجد الحرام را خراب می‌کند و به صورت نخستین آنها می‌سازد و کعبه را به موضع اصلی خود برمی‌گرداند».^۲

۱. غیبت نعمانی، ب ۱۲، ح ۲۵؛ معجم احادیث امام مهدی علیه السلام

ج ۳، ص ۲۰۴، ح ۸۴۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۹، ح ۱۰۲.

۲. «لقائم یردم المسجد الحرام حتی یرده إلى أساسه و مسجد

الرسول ص إلى أساسه و یرد البیت إلى موضعه و إقامه علی

أساسه». غیبت طوسی، ص ۴۷۲، ش ۴۹۲؛ بحار الانوار، ج ۵۲،

ص ۳۳۲، ح ۵۷؛ همان، ص ۳۳۸، ح ۸۰؛ ارشاد، ص ۳۶۴، ح ۳.

فصل سوم:

فتح عالم

پس از آن که حضرت، در مکه ظاهر شده، آن-
جا را به تصرف در آورد و حاکمیت خود را در آن
شهر مقدس، برقرار کرد، حرکت انقلابی را برای
انهدام سنگرهای دشمن، فتح عالم و سرانجام،
برقراری حکومت عدل جهانی شروع خواهد کرد.

مدینه الرسول

بر اساس برخی روایات، اولین شهری که
امام زمان علیه السلام و لشگریانش به آزادسازی آن
همت می‌گمارند، شهر مقدس پیامبر، مدینه
خواهد بود؛ شهری که نیاکان پاک ایشان را
در خود جای داده است؛ شهری که بقیع
مظلوم را در دل خود دارد.

امام صادق علیه السلام در تبیین چگونگی شروع
حرکت امام زمان علیه السلام فرموده‌اند: «او در مکه

می ماند تا این که تعداد اصحاب و یاران او به ده هزار نفر برسد. سپس (با تکمیل لشکر) از مکه به طرف مدینه حرکت می کند.^۱

اما روایات معتبر، در مورد این که چه اتفاقات و حوادثی در این شهر رخ می دهد، ساکت هستند؛ فلذا در این باره، مطلب خاصی که قابل اعتبار باشد، در دسترس نیست. با این حال، آنچه محتمل است، پاکسازی این شهر مقدس از انسان های منافق و دشمنان خدا است؛ چنان چه در برخی منابع نیز مطالبی پیرامون دو خلیفه و فتنه ای که در مورد آن دو رخ می دهد، گفته شده است.^۲

حرکت به طرف عراق

پس از آن که امر مدینه سامان یافت، حضرت، حرکت خویش را به طرف عراق و کوفه آغاز خواهد کرد. در این که در طول این مسیر،

۱. «و یقیم بمکه حتی یتم أصحابه عشرة آلاف نفس، ثم یسیر منها

إلی المدینة». ارشاد، ص ۳۶۳، ح ۱؛ معجم احادیث امام مهدی علیه السلام

ج ۲، ص ۴۹۲، ح ۱۰۶۲؛ بخار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۷، ح ۷۸.

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ب ۲۳، ح ۲.

چه حوادثی رخ خواهد داد، مطلب شفاف و روشنی از روایات استفاده نمی‌شود؛ هر چند مرحوم مجلسی به نقل از تفسیر عیاشی، روایت بلندی را از امام باقر علیه السلام نقل کرده است، که در قسمتی از آن، به گفتگویی که بعد از خروج از مدینه، بین امام زمان علیه السلام و یکی از سربازان شکل خواهد گرفت، اشاره می‌شود.

بر اساس آن روایت، زمانی که امام به ثعلبیه خواهد رسید، مردی از صلب پدر او (یکی از سادات) که قوی هیکل و شجاع نیز هست، به ایشان خواهد گفت: «ای فلان! چه می‌کنی؟ قسم به خدا، (با این شدت برخوردها و عدم مصالحه با دشمنان و منافقان) مردم را مانند پراکنده شدن چهارپایان، پراکنده کرده‌ای. آیا پیامبر صلی الله علیه و آله از شما پیمان گرفته است که چنین کنی یا علت دیگری دارد؟» پس یکی از موالیان امام زمان علیه السلام به او می‌گوید: «ساکت باش؛ وگرنه گردنت را می‌زنم». در این هنگام، امام زمان علیه السلام می‌فرماید: «من عهدی از رسول خدا صلی الله علیه و آله دارم» و سپس عهد را می‌خواند. پس آن مرد جلو می‌آید و سر مبارک ایشان را

می‌بوسد و تجدید بیعت می‌کند.^۱

در رابطه با این روایت، برخی معتقدند، علت برخورد ناشایست آن مرد، شک و تردید در حقانیت عمل امام مهدی علیه السلام نخواهد بود؛ بلکه در نظر دارد به مردم تفهیم کند که عمل و رفتار حضرت، براساس وظیفه‌ای است که از طرف خدا بر عهده‌ی ایشان قرار گرفته است؛ وگرنه، امکان ندارد یکی از اصحاب ایشان، چنین گستاخانه سخن بگوید.

هرچند، با توجه به نقصان علم و متفاوت بودن لشگریان از حیث معرفت و شناخت نسبت به جایگاه امام، و نیز با در نظر گرفتن شدت برخورد حضرت با معاندان، امکان چنین برخورد و گفتگویی، چندان بعید به نظر نمی‌رسد.

کوفه

اکثر روایاتی که به سیر حرکت امام مهدی علیه السلام در عراق مربوط می‌شوند، به کوفه و حوادث آن پرداخته‌اند. کوفه، از زمان تأسیس،

۱. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۵۸؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۲.

یکی از شهرهای مهم عراق بوده و هست. این شهر، پایتخت حکومت حضرت علی علیه السلام و در حرکت امام حسین علیه السلام - که منجر به حادثه‌ی بزرگ کربلا شد - نیز نقش آفرین بوده است.

به عبارت روشن‌تر، این شهر، کانون حوادث و معادلات عراق به شمار می‌رود. همه‌ی طیف‌ها و گروه‌ها، اعم از دوستان و دشمنان اهل بیت علیهم السلام، توجه خاصی به این شهر داشته و دارند. در جریان ظهور نیز این شهر، کانون حوادث خواهد گشت و سپاه حق و باطل، نسبت به آن برنامه‌ریزی خاصی خواهند داشت. وقایع و حوادث مربوط به کوفه‌ی پس از ظهور را - که در روایات، عنوان شده است - می‌توان این چنین دسته بندی کرد:

الف) درگیری بیرون کوفه

زمانی که امام زمان علیه السلام از مدینه حرکت کرده و وارد عراق خواهند شد، در محلی نزدیک کوفه، لشکر خود را ساماندهی خواهند کرد؛ که روایات مهدوی، آن محل را «نجف»

کوفه» معرفی کرده‌اند.^۱ چنانچه از امام صادق علیه السلام منقول است: «گویا قائم علیه السلام را می بینم که بر نجف کوفه (تپه بلندی، نزدیک کوفه) قرار دارد».^۲

همچنین مرحوم مجلسی به نقل از تفسیر عیاشی، از امام باقر علیه السلام نقل کرده است: «گویا آن سیصد و سیزده مرد - که قلوب آنها، مانند پاره‌های آهن است - را می بینم؛ که از بلندی (نزدیک) کوفه بالا می روند و جبرئیل علیه السلام از طرف راست و میکائیل علیه السلام از طرف چپ امام آنها حرکت می کند. خداوند، به فاصله‌ی یک ماه از جلو و از پشت سر، ترسی از او در دل مخالفانش می اندازد (تا فاصله‌ای که در طول یک ماه می توان طی کرد، دشمنان از ایشان می ترسند) و او را با پنج هزار ملک، کمک می کند. هنگامی که به

۱. نجف در لغت به معنای بلندی و تپه‌ای می باشد که آب به بالای آن نمی رسد.

۲. «کأنی بالقائم علی نجف الکوفه». کامل الزیارات، ص ۱۱۹.

ب ۴۱، ح ۵؛ معجم احادیث امام مهدی علیه السلام ج ۴، ص ۱۶.

ح ۱۰۹۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۸، ح ۴۸.

بالای بلندی می‌رسد، به اصحابش می‌گوید: امشب را به عبادت مشغول شوید. پس آن‌ها شب زنده‌داری می‌کنند؛ در حالی که در رکوع و سجده‌اند و به درگاه خدا تضرع می‌کنند؛ تا آن‌که صبح می‌شود. پس از طریق نخيله، حرکت خود را ادامه می‌دهند. در این هنگام، عده‌ای به مخالفت حضرت علیه السلام از کوفه خارج می‌شوند؛ که حدود شانزده هزار نفر بتریه و گروهی از لشکر سفیانی خواهند بود^۱. در روایتی، گروه بتریه از افرادی معرفی شده‌اند که قاریان قرآن و آشنا به مسایل دین بوده، و پیشانی آن‌ها از شدت سجده، پینه داشته؛ ولی نفاق، همه‌ی وجودشان را گرفته بوده است.

اینان با گستاخی به حضرت خواهند گفت: «به همان جا که از آن، آمده‌ای برگرد. ما

۱. «كَانُوا بِالْقَائِمِ عليه السلام عَلَى نَجْفِ الْكُوفَةِ وَقَدْ سَارَ إِلَيْهَا مِنْ مَكَّةَ فِي خَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ جَبْرَائِيلُ عَنْ يَمِينِهِ وَمِيكَائِيلُ عَنْ شِمَالِهِ وَ الْمُؤْمِنُونَ بَيْنَ يَدَيْهِ وَ هُوَ يُفَرِّقُ الْجُنُودَ فِي الْبِلَادِ». معجم احادیث امام مهدی علیه السلام ج ۳، ص ۳۰۶، ح ۸۴۵؛ بحار الانوار،

ج ۵۲، ص ۳۴۱، ح ۹۱.

حاجتی به فرزندان فاطمه علیها السلام نداریم»^۱. سپس جنگ در خواهد گرفت و همه‌ی مخالفان کشته خواهند شد؛ و این، در زمانی است که حضرت مهدی علیه السلام پرچم فتح را به اهتزاز در آورده است.^۲ (گویا جمل و نهروان دوباره تکرار می‌شود.)

ب) تسلط بر کوفه

پس از نابودی لشکر مخالفان، حضرت مهدی علیه السلام و یارانش وارد شهر کوفه شده و منافقان را نیز نابود خواهند کرد.^۳ بر اساس روایات، در کوفه، سه پرچم (و به عبارت دیگر، سه گروه) به حالت اضطراب و سرگردانی خواهند بود؛ تا آن که کوفه تحت سیطره‌ی حضرت مهدی علیه السلام قرار گیرد. پس حضرت به

۱. «وکلهم یقولون: یا بن فاطمة ارجع لا حاجة لنا فیک». معجم احادیث امام مهدی علیه السلام ج ۲، ص ۲۰۶، ح ۸۴۵؛ همان، ص ۲۰۸، ح ۸۴۷

۲. معجم احادیث امام مهدی علیه السلام ج ۲، ص ۲۹۸، ح ۸۳۵؛ غیبت نعمانی، ب ۱۹، ح ۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۶، ح ۴۱.

۳. ارشاد، ص ۲۶۴، ح ۵؛ معجم احادیث امام مهدی علیه السلام ج ۲، ص ۲۰۸، ح ۸۴۷

منبر تشریف خواهند برد و خطبه‌ای خواهند خواند و در همان حال، مردم به شدت گریه خواهند کرد.^۱ گویا سید حسنی نیز در آن جا با حضرت، ملاقات و بیعت خواهد کرد.^۲

ج) جنگ با سفیانی

پس از تسلط بر کوفه و برقراری آرامش در آن، امام مهدی علیه السلام و لشکریان ایشان، برای جنگ با سفیانی از کوفه خارج خواهند شد. در برخی روایات، کیفیت این رویارویی - که منجر به قتل سفیانی می‌شود - این گونه به تصویر کشیده شده است:

زمانی که دو لشکر اسلام و کفر، در منطقه - ای به نام رمله، مقابل یکدیگر قرار خواهند گرفت، ابتدا، حضرت آنان را به کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله دعوت خواهد کرد. سپس بین ایشان و سفیانی ملاقاتی صورت خواهد

۱. ارشاد، ص ۲۶۲، ح ۲؛ معجم احادیث امام مهدی علیه السلام، ج ۳،

ص ۳۰۰، ح ۸۳۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۰، ح ۵۳.

۲. غیبت طوسی، ص ۴۶۸، ح ۴۸۵؛ معجم احادیث امام

مهدی علیه السلام، ج ۳، ص ۳۰۱، حاشیه حدیث ۸۳۷؛ بحار الانوار،

ج ۵۲، ص ۳۳۰، ح ۵۳.

گرفت؛ که سفیانی در ضمن آن، اظهار تسلیم و تبعیت خواهد کرد؛ اما هنگامی که خبر به لشکریان او می‌رسد، تسلیم را نخواهند پذیرفت. سرانجام میان دو گروه، جنگ در خواهد گرفت و لشکریان سفیانی، منهدم و نابود، و سر سفیانی نیز از بدن جدا خواهد شد.^۱

(د) پایتخت حکومت مهدوی

در روایتی از وجود مقدس امام باقر یا امام صادق علیهما السلام نقل شده است: «عدل خدا از کوفه ظاهر می‌شود و در آن جا قائم علیه السلام و حاکمان بعد از او خواهند بود».^۲ در روایت دیگری از امام باقر علیه السلام آمده است: «گویا قائم علیه السلام را بر نجف کوفه (بلندی آن) می‌بینم و او، لشکریان را به شهرها و اطراف

۱. معجم احادیث امام مهدی علیه السلام ج ۳، ص ۳۱۴، ح ۸۵۲؛ همان، ص ۳۱۶، ح ۵۵؛ همان، ج ۵، ص ۲۸، ح ۱۴۵۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۱، ح ۹۱ و ص ۳۸۸، ح ۲۰۶.

۲. «ومنها يظهر عدل الله، وفيها يكون قائمه والقوام من بعده».
کامل الزیارات، ص ۳۰، ب ۸، ح ۱۱؛ معجم احادیث امام مهدی علیه السلام ج ۲، ص ۳۰۲، ح ۸۳۹؛ بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۴۴۰، ب ۱۷، ح ۱۷.

می فرستد»^۱.

آن چه از این روایات و مشابه آن، استفاده می شود، آن است که حضرت مهدی علیه السلام شهر کوفه را به عنوان مقرّ حکومت خود، انتخاب خواهند کرد.

مسجد سهله

در عن حالی که شهر کوفه، محل حکومت خواهد بود، حضرت، مسجد سهله را منزلگاه خود قرار خواهد داد؛ چنان چه از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «بدانید که مسجد سهله، منزل صاحب ما خواهد بود. او هنگامی که قیام کند، با اهل خود، در آن جا مستقر خواهد شد»^۲.

ایشان در جای دیگری نیز فرموده اند: «گویا نزول قائم علیه السلام و اهلیش را در مسجد

۱. «کأني بالقائم على نجف الكوفة... وهو يفرق الجنود في البلاد». ارشاد، ص ۳۶۲، ح ۱؛ معجم احادیث امام مهدی علیه السلام

ج ۳، ص ۲۹۹، ح ۸۳۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶، ح ۷۵.

۲. «ذَكَرَ مَسْجِدَ السَّهْلَةِ فَقَالَ أَمَا إِنَّهُ مَنْزِلُ صَاحِبِنَا إِذَا قَدِمَ بِأَهْلِهِ».

کافی، ج ۳، ص ۴۹۵، ح ۲؛ معجم احادیث امام مهدی علیه السلام، ج ۳،

ص ۵۰۲، ح ۱۰۴۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۱، ح ۵۴.

سهله می بینم». راوی از ایشان پرسیده است: «آیا آن جا منزل او خواهد بود؟» امام در جواب فرموده‌اند: «آری؛ آن جا منزل حضرت ادریس علیه السلام بوده و خداوند، هیچ پیامبری را مبعوث نکرده، مگر آن که در آن جا نماز گذارده است. مقیم در آن جا مانند مقیم در خیمه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله می باشد و هیچ مرد و زن مؤمنی نیست، مگر این که قلبش مشتاق به آن جا است. شب و روزی نیست، مگر آن که ملائکه‌ی خدا به آن مسجد وارد شده و خدا را در آن عبادت می کنند»^۱.

یادآوری

هر چند مساجد، خانه‌ی خدا و مکان مقدسی هستند و احکام خاصی نیز دارند، اما به اراده و امر خداوند، در مواردی استثنا خواهند داشت؛ مانند ولادت امام علی علیه السلام در درون کعبه، یا بسته شدن در همه‌ی خانه‌های منتهی به مسجدالنبی، جز در خانه‌ی پیامبر و

۱. «کأني أرى نُزُولَ الْقَائِمِ عليه السلام فِي مَسْجِدِ السَّهْلَةِ بِأَهْلِهِ وَ عِيَالِهِ».

معجم احادیث امام مهدی علیه السلام ج ۳، ص ۵۰۳، ح ۱۰۷۵؛

بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۷، ح ۱۳؛ همان، ص ۳۷۶، ح ۱۷۷.

امام علی علیه السلام بر اساس همین قاعده، مسجد سهله نیز می‌تواند محل استقرار امام مهدی علیه السلام باشد.

نزول حضرت عیسی علیه السلام

یکی از وقایع مهم پس از ظهور - که روایات متعددی به آن اشاره کرده‌اند - نزول حضرت عیسی علیه السلام و نماز خواندن آن بزرگوار، پشت سر حضرت مهدی علیه السلام می‌باشد. امام صادق علیه السلام در همین رابطه فرموده‌اند: «مهدی علیه السلام پنجمین فرزند از فرزندان پسر، موسی علیه السلام و فرزند سیده کنیزان است. (پس از ظهور او) روح الله، عیسی بن مریم علیه السلام فرود می‌آید و پشت سر او نماز می‌خواند».^۱

محل نزول ایشان، در روایتی، دمشق معرفی شده؛^۲ که به علت ضعف روایت، چندان نمی-

۱. «هو الخامس من ولد ابني موسى، ذلك ابن سيدة الاماء...»
و ينزل روح الله عيسى بن مريم عليه السلام فيصلى خلفه». *كمال الدين و تمام النعمة*، ج ۲، ب ۲۳، ح ۳۱؛ *معجم احاديث امام مهدی علیه السلام*، ج ۳، ص ۳۹۳، ح ۹۴۸؛ *بحار الانوار*، ج ۵۱، ص ۱۴۶، ح ۱۴.

۲. *بحار الانوار*، ج ۱۰، ص ۳۴.

توان به آن اعتماد کرد. در منابع عامه نیز محل نزول و اقامه‌ی نماز به امامت امام زمان علیه السلام، بیت المقدس دانسته شده است.

اما درباره‌ی زمان نزول حضرت عیسی علیه السلام، مطلب خاصی در منابع شیعی به میان نیامده است. با این حال، به نظر می‌رسد که این اتفاق، پس از حوادث کوفه و مربوط به زمانی خواهد بود که امام مهدی علیه السلام قصد دعوت اهل کتاب به آیین حق و دین اسلام را داشته باشند.

تذکر

در روایات شیعی، در رابطه با حوادث و وقایع بعد از فتح کوفه، مانند فتح بیت المقدس، دجال و سرانجام او بحث چندان روشن و شفاف نیامده است؛ لذا از بیان آن خود داری می‌شود.

مدت جنگ

از روایات می‌توان استفاده کرد که مدت زمان جنگ حضرت با دشمنان خدا و نابودی سنگرهای شرک و نفاق، هشت ماه می‌باشد و پس از آن، جنگ، پایان می‌یابد و دوران عمران و آبادی زمین، شروع می‌شود.

برای مثال، از امام حسین علیه السلام نقل شده است: «شمشیرش را هشت ماه روی گردنش قرار می‌دهد».^۱ شبیه این تعبیر، از وجود مقدس امام علی علیه السلام^۲ و امام صادق علیه السلام^۳ نیز صادر شده است.

۱. «یضعُ سیفهُ علی عاتقهِ ثمانیة اشهر». کمال الدین و تمام

النعمة، ج ۱، ب ۳۰، ح ۵؛ معجم احادیث امام مهدی علیه السلام، ج ۳،

ص ۱۸۰، ح ۷۰۲؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۳، ح ۶.

۲. معجم احادیث امام مهدی علیه السلام، ج ۳، ص ۱۱۹، ح ۶۸۵.

۳. همان، ص ۲۴۰، ح ۷۶۹.

فصل چهارم:

چند نکته

ویژگی‌های حضرت

در برخی روایات، ویژگی‌های شخصی حضرت مهدی علیه السلام مورد توجه قرار گرفته و به پاره‌ای از آن‌ها اشاره شده است. در این بخش، به نمونه‌ای از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

جوان بودن

مرحوم صدوق نقل می‌کند: «چون امام حسن علیه السلام با معاویه مصالحه کرد، این عمل، برای برخی از مردم، گران آمد؛ و لذا نزد ایشان رفته و شروع به سرزنش کردند. امام مجتبی علیه السلام در مقام دفاع از حرکت خویش به آنان فرمود: آن‌چه من برای شیعیانم انجام داده‌ام، از آن‌چه آفتاب بر آن بتابد و غروب کند، بهتر است. سپس به داستان حضرت موسی و خضر علیه السلام

اشاره کرده و ادامه دادند: «هر یک از ما ائمه علیهم السلام بیعت طاغوتِ زمانِ خویش را به گردن دارد؛ مگر قائمی که حضرت عیسی بن مریم علیها السلام پشت سر او نماز می خواند... خداوند، عمر او را در دوران غیبتش طولانی می گرداند؛ سپس با قدرت خود، او را در صورت جوانی کمتر از چهل سال ظاهر می سازد؛ تا دانسته شود که خداوند بر هر کاری تواناست»^۱.

بنابراین حضرت، به چهره‌ی جوانی حدود چهل ساله می باشد.

قدرت جسمانی

از جمله ویژگی‌های ایشان، قدرت جسمانی است. ریان بن صلت می گوید: «به امام

۱. «لما صالح الحسن بن علی معاویة بن أبی سفیان دخل علیه الناس فلامه بعضهم علی بیعته فقال: ویحکم ما تدرن ما عملت و الله الذی عملت خیر لشیعتی مما طلعت علیه الشمس أو غربت... أنه ما منا أحد إلا و یقع فی عنقه بیعة لطاغیة زمانه إلا القائم الذی یصلی روح الله عیسی ابن مریم خلفه... یطیل الله عمره فی غیبتة ثم ینظره بقدرته فی صورة شاب دون أربعین سنة ذلک لیعلم أن الله علی کل شیء قدير». کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ب ۲۹، ح ۲؛ معجم احادیث امام مهدی علیه السلام، ج ۲، ص ۱۶۵، ح ۶۹۱؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۲، ح ۱.

رضاء عليه السلام عرض کردم: آیا شما صاحب این امر هستید؟ فرمود: من صاحب این امر (امامت) هستم؛ ولی آن کسی که زمین را - پس از آن که پر از ظلم بشود - از عدل، آکنده خواهد ساخت، من نیستم؛ و چگونه او باشم؟ در حالی که ضعف بدن مرا می بینی. قائم، کسی است که وقتی خروج می کند، در سن پیران و قیافه‌ی جوانان می باشد و بدنش قوی است؛ به گونه‌ای که اگر دستش را به بزرگ‌ترین درخت روی زمین، دراز کند، می تواند آن را از جا بکند»^۱.

شجاعت و قدرت یاران

روشن است که یاران و اصحاب امام زمان عليه السلام نیز مانند رهبرشان، انسان‌های قوی و شجاعی می باشند.

۱. «عن الريان بن الصلت قال: قلت للرضا عليه السلام أنت صاحب هذا الأمر؟ فقال: أنا صاحب هذا الأمر و لكني لست بالذي أملاها عدلا كما ملئت جورا و كيف أكون ذلك على ما ترى من ضعف بدني و إن القائم هو الذي إذا خرج كان في سن الشيوخ و منظر الشبان قويا في بدنه حتى لو مد يده إلى أعظم شجرة على وجه الأرض لقلعها». كمال الدين و تمام النعمة، ج ۲، ب ۲۵، ح ۱۸ معجم احاديث امام مهدي عليه السلام، ج ۴، ص ۱۵۴، ح ۱۲۱۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۲، ح ۳۰.

امام باقر علیه السلام ضمن روایتی فرموده‌اند: «زمانی که امر ما واقع شود و مهدی علیه السلام بیاید، جرأت و شجاعت هر مرد از شیعیان ما از شیر، بیشتر خواهد شد.»^۱

امام صادق علیه السلام نیز درباره‌ی قدرت یاران امام عصر علیه السلام فرموده‌اند: «وقتی حضرت لوط علیه السلام به قومش گفت: ای کاش در برابر شما توانایی داشتم یا به رکن شدید، ماوی می‌گرفتم^۲، در حقیقت، آرزو داشت که قدرت قائم علیه السلام را داشته باشد و چیزی را یاد نکرد، مگر استواری یاران امام زمان علیه السلام را. به درستی که به هر مردی از اصحاب او، توانایی چهل مرد داده می‌شود و قلب آنان از پاره‌های آهن، استوارتر است و اگر از کوه آهن بگذرند، آن را از جا بر می‌کنند.»^۳

۱. «فَإِذَا وَقَعَ أَمْرُنَا وَ جَاءَ مَهْدِيْنَا كَانَ الرَّجُلُ مِنْ شِيعَتِنَا أَجْرًا مِنْ لَيْثٍ وَ أَمْضَى مِنْ سِنَانٍ». معجم احادیث امام مهدی علیه السلام ج ۲، ص ۲۸۵، ح ۸۲۲؛ بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۸۹، ح ۲۲.

۲. «قَالَ لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوِي إِلَى رُكْنٍ شَدِيدٍ». هود (۱۱): ۸۰.

۳. «مَا كَانَ يَقُولُ لُوطٌ علیه السلام لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوِي إِلَى رُكْنٍ شَدِيدٍ إِلَّا تَمَنِّيًا لِقُوَّةِ الْقَائِمِ وَ لَا ذَكَرَ إِلَّا سِدَّةَ أَصْحَابِهِ فَإِنَّ الرَّجُلَ

میراث پیامبر ﷺ و سایر انبیاء

از روایات متعددی استفاده می‌شود که وجود مقدس امام زمان علیه السلام، هنگام ظهور، میراثی از انبیاء گذشته را در اختیار دارند. این ابزار و وسایل - که هر کدام، دارای امتیاز خاصی است - حاوی پیام ویژه‌ای می‌باشند. برخی از آنها، از وجود مقدس پیامبر اسلام ﷺ به ائمه علیهم السلام و از آنها به امام زمان علیه السلام، و برخی دیگر، از انبیای گذشته علیهم السلام نزد حضرت مهدی علیه السلام به یادگار مانده است.

آنچه از پیامبر به جای مانده، در ابتدای ظهور، به همراه حضرت خواهند بود؛ اما این که ایشان، میراث پیامبران را به وقت ظهور و هنگام حرکت به طرف مسجد الحرام، به همراه خواهند داشت یا خیر، چندان روشن نیست.

در این رابطه، یعقوب سراج نقل کرده است:

→

مِنْهُمْ يُعْطَى قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا وَإِنَّ قَلْبَهُ لَأَشَدُّ مِنْ زُبْرِ الْحَدِيدِ وَلَوْ مَرُّوا بِجِبَالِ الْحَدِيدِ لَقَطَعُوهَا «كمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ب ۵۸، ح ۱۸؛ معجم احادیث امام مهدی علیه السلام، ج ۵، ص ۱۷۲، ح ۱۵۹۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۷، ح ۴۴.

«به امام صادق علیه السلام عرض کردم: فرج شیعیان شما در چه زمانی است؟ امام، در پاسخ، ابتدا به برخی از حوادث قبل از ظهور، اشاره کرد و سپس فرمود: صاحب این امر، با میراث پیامبر صلی الله علیه و آله از مدینه به طرف مکه خارج می-شود. از ایشان پرسیدند: میراث پیامبر صلی الله علیه و آله چیست؟ فرمود: شمشیر، زره، عمامه، برد، عصا، پرچم و وسایل جنگی ایشان».^۱

مرحوم صدوق نیز از ریان بن صلت نقل کرده که امام رضا علیه السلام فرمود: «با او (حضرت مهدی علیه السلام) عصای حضرت موسی علیه السلام و انگشتر حضرت سلیمان علیه السلام است».^۲

۱. «وخرج صاحب هذا الامر من المدينة إلى مكة بترات رسول الله صلى الله عليه وآله. فقلت: ما ترات رسول الله صلى الله عليه وآله؟ قال: سيف رسول الله ودرعه وعمامته وبرده وقضيبه ورايته ولامته وسرجه». کافی، ج ۸، ص ۲۲۴، ح ۲۸۵؛ غیبت نعمانی، ب ۱۴، ح ۴۲ و ۴۳؛ معجم احادیث امام مهدی علیه السلام، ج ۳، ص ۴۹۷، ح ۱۰۶۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۲، ح ۱۱۲؛ همان، ص ۳۰۱، ح ۶۶.

۲. «يَكُونُ مَعَهُ عَصَا مُوسَى وَ خَاتَمُ سُلَيْمَانَ». کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ب ۲۵، ح ۸؛ معجم احادیث امام مهدی علیه السلام، ج ۴، ص ۱۵۴، ح ۱۲۱۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۲، ح ۳۰.

هم‌چنین از امام باقر علیه السلام منقول است: «هنگامی که قائم علیه السلام در مکه قیام کند و آهنگ کوفه نماید، منادی او ندا می‌دهد: کسی از شما، با خود، خوراک و آب بر ندارد. پس سنگ حضرت موسی علیه السلام که با یک شتر است، با خود حمل می‌کنند و در منزلی فرود نمی‌آیند، مگر آن که چشمه‌ای از آن سنگ بجوشد. پس هر که گرسنه باشد، سیر می‌شود و هر کس تشنه باشد، سیراب می‌گردد و همین زاد و توشه‌ی آنهاست؛ تا به نجف کوفه فرود آیند»^۱.

روش مقابله

براساس روایات متعددی، حرکت انقلابی حضرت مهدی علیه السلام، با تکیه بر سلاح خواهد بود

۱. «إذا قام القائم بمكة وأراد أن يتوجه إلى الكوفة نادى مناديه ألا لا يحمل أحد منكم طعاما ولا شرابا، ويحمل حجر موسى بن عمران وهو وقر بعير، ولا ينزل منزلا إلا انبعث عين منه، فمن كان جائعا شبع، ومن كان ظمآن روى، فهو زادهم حتى نزلوا النجف من ظهر الكوفة». کافی، ج ۱، ص ۲۳۱، ح ۳؛ معجم احادیث امام مهدی علیه السلام، ج ۲، ص ۲۴۷، ح ۷۷۷؛ بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۱۸۵.

و جنگ و قتال با دشمنان خدا تا انهدام کامل همه‌ی سنگرهای کفر و نابودی همه‌ی افراد آن، ادامه خواهد داشت؛ ولی این، به معنای عدم اتمام حجت بر مخالفان نیست؛ بلکه آن-چه از چگونگی حرکت آن وجود مقدس استفاده می‌شود، این است که آن بزرگوار، به روش اجداد بزرگوارش عمل خواهد نمود. یعنی ابتدا ایمان حقیقی را عرضه خواهد کرد و در صورت عدم پذیرش مخالفان، جنگ آغاز خواهد شد.

آری؛ او همانند جد مظلومش، امام علی علیه السلام در جنگ جمل، صفین و نهروان و همچون جد غریبش، امام حسین علیه السلام در صحرای کربلا، ابتدا به معرفی خود و علت قیام خویش می‌پردازد و روش خود را براساس دین خدا، قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله اعلام می‌کند؛ که این نوع برخورد، مورد تأیید خدا و عقل می‌باشد.

در حدیثی از امام باقر علیه السلام نقل شده است: «هنگامی که قائم علیه السلام قیام کند، ایمان را بر هر ناصبی و مخالفی عرضه می‌کند. پس اگر واقعاً (و نه از روی نفاق) داخل در ایمان شد،

مطلوب همین است؛ وگرنه گردن او را می‌زند
یا از او جزیه می‌گیرد»^۱.

البته - چنانچه در روایات، اشاره شده -
حرکت حضرت علیه السلام از همان آغاز ظهور، چنین
است که ابتدا، خود را معرفی کرده و سیره‌ی
خود را - که همان عمل به کتاب خدا و سنت
پیامبر صلی الله علیه و آله است - گوشزد می‌نمایند و مردم
را به سوی خود فرامی‌خوانند.

در روایتی از وجود مقدس امام
صادق علیه السلام نقل شده است: «هنگامی که
قائم علیه السلام قیام کند، مردم را از نو به اسلام،
دعوت، و آنان را به امری که پوشیده شده و
نسبت به آن، گمراه شده‌اند، راهنمایی
می‌کند. همانا قائم ما را «مهدی» نام نهاده‌اند،
زیرا به امری که گم شده است، هدایت
می‌کند و به او «قائم» می‌گویند؛ زیرا قیام او

۱. «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَرَضَ الْإِيمَانَ عَلَى كُلِّ نَاصِبٍ فَإِنْ دَخَلَ فِيهِ
بِحَقِيقَةٍ وَإِلَّا ضَرَبَ عُنُقَهُ أَوْ يُؤَدَّى الْجَزِيَّةَ». کافی، ج ۸، ص ۲۲۷،
ح ۲۸۸؛ معجم احادیث امام مهدی علیه السلام، ج ۳، ص ۲۰۸، ح ۸۴۶؛
بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۵، ح ۱۷۵.

بر اساس حق است»^۱.

بنابر آنچه گفته شد، در سیر حرکت حضرت، جنگ و قتال، در مرتبه‌ی دوم قرار دارد و در ابتدا دعوت به سمت حق و راستی صورت خواهد گرفت.

فقط کشتن دشمنان خدا

نکته‌ی مهم دیگر، کشتارهایی است که اتفاق می‌افتد. باید توجه داشت که محدوده و اندازه‌ی آن، در چهار چوب رضایت خداوند و امر الهی است. به عبارت دیگر، جنگ و کشتار دشمنان دین - که به امر الهی، توسط امام زمان علیه السلام تحقق پیدا خواهد کرد - تا زمانی ادامه خواهد داشت که خداوند، صلاح بداند. چنانچه جناب عبد العظیم حسنی از امام جواد علیه السلام نقل کرده است: «(حضرت مهدی علیه السلام) دشمنان خدا را می‌کشد؛ تا زمانی

۱. «إذا قام القائم عليه السلام دعا الناس إلى الإسلام جدیداً، وهداهم إلى أمر قد دثر وضل عنه الجمهور، وإنما سمى القائم مهدياً لانه يهدى إلى أمر مظلوم عنه، وسمى بالقائم لقيامه بالحق». *ارشاد*، ص ۳۶۴، ح ۲؛ *معجم احادیث امام مهدی علیه السلام* ج ۴، ص ۵۱، ح ۱۱۲۲؛ *بخارالانوار*، ج ۵، ص ۳۰، ح ۷.

که خدای متعال، راضی شود»^۱.
 هم‌چنین آن‌چه نباید مورد غفلت واقع
 شود، این است که آن کشتارها، فقط شامل
 دشمنان خدا می‌شود، نه سایر بندگان؛ و نه
 حتی آنانی که به خاطر جهل و نادانی از خدا
 فاصله گرفته‌اند. زیرا آنان با شنیدن پیام
 حضرت و آگاهی‌هایی که صورت می‌پذیرد، با
 حقیقت آشنا شده و به طرف خدا باز خواهند
 گشت. ولی دشمنان، مخالفان و منافقان - که
 از روی علم و آگاهی، به مخالفت برخاسته،
 لجاجت می‌ورزند و به سبب خاموش کردن
 نور خدا هستند - راه به جایی نبرده و در برابر
 لشکر الهی امام مهدی علیه السلام مغلوب و مقتول
 خواهند شد.

خداوند فرموده است:

﴿يُرِيدُونَ أَن يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى
 اللَّهُ إِلَّا أَن يَتِمَّ نُورُهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾ هُوَ الَّذِي
 أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَىٰ

۱. «فَلَا يَزَالُ يُقْتَلُ أَغْدَاءَ اللَّهِ حَتَّىٰ يَرْضَىٰ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَىٰ».

کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ب ۳۶، ح ۲؛ بحار الانوار، ج ۵۲،

ص ۲۳۸، ح ۱۰.

الذین کله ولو کفرة المشرکون^۱؛ «آن‌ها می‌خواهند نور خدا را با دهان خود، خاموش کنند؛ ولی خدا جز این نمی‌خواهد که نور خود را کامل کند؛ هر چند کافران ناخشنود شوند. او کسی است که رسولش را با هدایت و دین حق فرستاد؛ تا آن را بر همه‌ی دین‌ها غالب گرداند؛ هر چند، مشرکان را خوش نیاید».

امام صادق علیه السلام درباره‌ی تأویل این آیه فرموده‌اند: «به خدا سوگند، تأویل این آیه هنوز واقع نشده است و واقع هم نمی‌شود، تا آن که قائم علیه السلام خروج کند. پس هنگامی که قائم علیه السلام خروج کند، کافران به خدای بزرگ و مشرکان به امام را خوش نمی‌آید؛ و اگر کافر یا مشرکی در دل صخره‌ای باشد، آن صخره می‌گوید: ای مؤمن! در دل من، کافری است. مرا بشکن و او را بکش».^۲

۱. توبه (۹): ۲۲ و ۲۳.

۲. «و الله ما نزل تأویلها بعد و لا ينزل تأویلها حتی یخرج القائم علیه السلام فاذا خرج القائم علیه السلام یبق کافر بالله العظیم و لا مشرک بالامام الا کره خروجه حتی ان لو کان کافر مشرک فی بطن صخرة لقات: یا مؤمن فی بطنی کافر فاکسرنی و اقتله». کمال‌الدین و

از این روایت، به خوبی استفاده می‌شود که دشمنان خدا از ظهور امام زمان علیه السلام ناراحت خواهند شد و سر تسلیم، در برابر او فرود نخواهند آورد. به همین علت، وارد جنگ خواهند شد و چون شکست می‌خورند، فراری و متواری شده و خود را به جای تسلیم کردن، مخفی خواهند کرد. ولی در آن روزگار، محل امنی برای آنها نخواهد بود و چاره‌ای جز تسلیم یا مرگ نخواهد داشت؛ چرا که رها شدن آنان باعث تجدید قوای آنها، برپایی جنگ دیگری با امام و سرانجام، فساد و خرابی خواهد شد.

سلاح جنگی

در پایان، مناسب است تا بحثی کوتاه پیرامون سلاح‌های جنگی حضرت داشته باشیم. مسلماً در این که قیام حضرت، مسلحانه و همراه با جنگ و درگیری خواهد بود، شک و تردیدی وجود ندارد؛ اما آنچه محل بحث و گفتگو واقع شده، این است که سلاح حضرت

→

تمام النعمة، ج ۲، ب ۵۸، ح ۷؛ معجم احادیث امام مهدی علیه السلام، ج ۵، ص ۱۴۵، ح ۱۵۶۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۴، ح ۳۶.

چیست؟ آیا همان شمشیر و سلاح‌های جنگی دوران ابتدایی اسلام خواهد بود یا حضرت از سلاح و ادوات روز بهره خواهند برد؟

برخی معتقدند روایاتی که اسلحه‌ی حضرت را شمشیر، معرفی کرده‌اند، همه، سمبلیک هستند و در واقع، پیام آن دست روایات، این است که حضرت در قیام خود از اسلحه و ادوات جنگی روز و حتی پیشرفته‌تر از آن، بهره خواهد برد.

در مقابل، عده‌ای بر این باورند که باید ظاهر روایات را حفظ نمود. به اعتقاد آنان، با توجه به مجموع روایات، می‌توان دریافت که شمشیر، جایگاهی حقیقی و اصلی در جنگ‌های حضرت خواهد داشت و جنگ ایشان، واقعاً همان جنگ با شمشیر و سلاح‌های زمان گذشته است.

اینان در توجیه این نکته که چگونه می‌توان با شمشیر در برابر انواع سلاح‌های مدرن - که می‌توانند از راه دور، افراد و مکان‌های زیادی را نابود کنند - چند دسته شده‌اند. عده‌ای سخن از اعجاز به میان می‌آورند. بعضی دیگر با عنایت به خبر وقوع جنگ‌های قبل از ظهور در روایات، بر این

باورند که آن جنگ‌ها باعث نابودی سلاح‌ها و بلکه، صنعت سلاح سازی می‌شود. به اعتقاد آنان، این جمله‌ی معروف که اگر جنگ سوم جهانی اتفاق بیفتد، پس از آن، جنگ‌ها با سنگ و چوب خواهد بود کنایه از آن است که طی جنگ‌های آخرالزمانی، علاوه بر نابودی حدود دو سوم جمعیت بشر، سلاح‌ها نیز از بین خواهد رفت.

از نظر گروهی دیگر، حضرت از جانب خدا با افتادن رعب در دل دشمنان، یاری خواهد شد. به عبارت دیگر، هراس از ایشان باعث می‌شود که دشمنان نتوانند از سلاح خود استفاده کنند.

به نظر می‌آید در این باره، اظهار نظر دقیق و قطعی، امکان ندارد. لذا بهتر است در عین حالی که وقوع جنگ‌های پس از ظهور را می‌پذیریم، نسبت به نوع سلاح حضرت، سکوت کنیم. چراکه اساساً این بحث، فاقد نتیجه‌ی قابل اعتنا، و بدون ارزش است.

در پایان، از خداوند می‌خواهیم که لغزش‌های ما را مورد عفو قرار داده و لیاقت حضور در زمان ظهور و یاری امام زمان علیه السلام را به ما عنایت کند.